

نمایندگان
۹



THE 26TH FADJR INTERNATIONAL THEATRE FESTIVAL

و بالاخره کلام آخر

حمایت‌کنندگان این حرکت به ویژه از وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون محترم امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس محترم مرکز هنرهای نمایشی، مدیران و مسوولان محترم فرهنگی و هنری کشور، اعضای ستاد برگزاری، نمایندگان رسانه‌های گروهی، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مدیران محترم تالارهای نمایشی، مدیران محترم فرهنگسراهای تهران، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، شهرداری تهران، نیروهای نظامی انتظامی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، وزارت آموزش و پرورش، دانشکده‌های هنری و نمایشی کشور و ده‌ها مرکز و نهاد فرهنگی دیگر که برای برپایی هرچه باشکوه‌تر این حرکت به یاری ما آمدند، به سهم خود تقدیر و تشکر می‌کنم.

از اعماق جان، آینده‌ای پرامید و روشن برای تئاتر ایران خواستارم. امید آنکه جشنواره بیست و هفتم بتواند با رفع نقایص حرکت بیست و ششم، توسعه تئاتر کشور را بیش از پیش تصویر بخشد. والسلام

مدیرمسئول

جشنواره بیست و ششم به پایان رسید. نمی‌دانم درست این است که بگویم دیر گذشت یا زود؛ شاید بهتر همان است که گفته شود این جشنواره هم با همه خاطرات و فراز و نشیب‌هایش گذشت تا مانند جشنواره‌های پیشین به تاریخ پرافتخار تئاتر این کشور بپیوندد. قضاوت این‌که این حرکت تا چه اندازه توانست دین خود را به تئاتر کشور ادا کند با مخاطبین و آیندگان، اما آنچه که از راه وفاداری و قدرشناسی باید گفته آید اینکه حدود یک سال تعداد زیادی از عاشقان و دوستان تئاتر، از استادان پیشکسوت گرفته تا هنرمندان و مدیران و خبرنگاران و... در کنار هم این راه را پیمودند تا به جشن اختتامیه این جشنواره برسیم. بسیاری کسان کوشیدند که کوشیدنشان کمتر دیده شد، برخورد لازم می‌دانم دست تمامی آنها را بفشارم و بر همتشان درود بفرستم. بی‌شک برگزاری جشنواره‌ای با این گستردگی میسر نمی‌شد مگر با همت همه کسانی که صادقانه و خالصانه تمام کاستی‌ها را تحمل کردند و بر هدف والای تعالی فرهنگ و هنر این کشور الهی پای فشردند.

از صمیم قلب و به عنوان کوچک‌ترین خدمتگذار این جمع بزرگ از همه

حمیدرضا اردلان:

تئاتر برای همه یک شعار ایده‌آل است

در همه جای دنیا خیلی‌ها اصلاً در فستیوال‌ها شرکت نمی‌کنند. موضوع یک باور ذهنی است. این باور ذهنی هم از موضوعات دیگری بود که سعی شده بود در این جشنواره به آن فکر شود. اینکه این باور چطور تقویت شود.

از اردلان درباره شعار «تئاتر برای همه» می‌پرسیم، می‌گوید: «تئاتر برای همه واژه آروم‌اندانه‌ای است. شاید بشود گفت امسال در جهت این موضوع کوشش فراگیر به عمل آمده و به طور نسبی هم نشانه‌هایی وجود دارد که بگوییم به این جهت حرکت شده اما خود اصطلاح تئاتر برای همه بسیار ایده‌آل است. این کاری است که از عهده صرفاً جشنواره فجر بر نمی‌آید. ارگانی می‌خواهد که به بودجه و اعتماد مردم و مجوزهای لازم وصل باشد. امسال این جشنواره طرح مساله کرده و جهت نشان داده. این جهت می‌شود دیده شود یا فراموش شود. ما باید امیدوار باشیم این جهت آنقدر با تاکید بوده باشد که ادامه یابد، تا ۳۰ سال بعد حاصل آن را ببینیم. شاید منظور تئاتر برای همه این نباشد که در طول ۱۰ روز جشنواره، تعداد آدم‌های بیشتری تئاتر ببینند بلکه منظور این باشد که در طول سال در همه جا شعله تئاتر روشن باشد.»

او که کارگردان مراسم اختتامیه است، درباره آن می‌گوید: «سعی کردیم اختتامیه متفاوتی باشد. امسال رفتم به سمت صرفه‌جویی زمان و اهمیت یافتن موضوعاتی که در اختتامیه باید باشد مثل اینکه تمام کسانی که در فستیوال حضور داشتند در یک صحنه دیده شوند. رفتن به سمت سادگی هم مدنظرمان بود. چون امکانات تئاتر کشورمان کم است نمی‌توانیم تئاتر با امکانات پیچیده‌ای که در ۲ یا ۳ جای کشور بیشتر نیست ببینیم. ما سعی کردیم این افتتاحیه علی‌رغم آنکه در تالار وحدت است، ساده اجرا شود.»

حمیدرضا اردلان تحصیل کرده در کنسرواتوار وین و دکترای پژوهش هنر از دانشگاه هنر، با تالیفات و کارگردانی نمایش‌های متعدد، یکی از اعضای هیات انتخاب نمایش‌های خارجی و مشاوران دبیر جشنواره بود. او علاوه بر این کارگردانی مراسم اختتامیه را نیز به عهده داشت. با او در حاشیه این جشنواره گپ کوتاهی زدیم.

اردلان درباره جشنواره امسال و ویژگی آن می‌گوید: این جشنواره یک پروژه مداوم بود در یک شرایط ملی که ضرورتش احساس می‌شد، آغاز شد و جلو رفت. این مداومت باعث شد تا به جشنواره در یک تداوم فکر شود. شاید ویژگی این دوره این باشد که دوباره به جشنواره و نقش آن در روند تئاتر کشور فکر شد. به اینکه ۲۵ دوره قبل چه دستاوردهایی داشته است. صورتش چه بوده و مفاهیم و باطنش چه بوده. در این دوره گمانم این است که سیاستش اندیشه کردن به اهداف و دستاوردهای ۲۵ دوره قبل بوده. بر این اساس طرح پرسشی شده و اهدافی معین شده. باید امیدوار باشیم که این اهداف به تعریف برسد. اما به نتیجه رساندن آن شاید کار سال‌های بعد باشد. فستیوال‌های مهمی در جهان هستند که اجزاء آن تعریف شده اند اما اینقدر طی سال‌ها تمرین شده اند که گم‌گم جزء فرهنگ آن کشور شده و چون جزء فرهنگ شده تبدیل به آیین شده است. وقتی پدیده‌ای تبدیل به آیین می‌شود آنقدر جایز محکم می‌شود که دیگر زیاد نمی‌شود به آن دست زد. جشنواره تئاتر فجر اما هنوز تبدیل به آیین نشده. در حال حاضر دارد در هاله‌ای از فرهنگ ما جست‌وجو می‌شود اما تفاوت اینکه یک پروسه هنری جزء فرهنگ یک ملتی بشود، نیازمند باور کل جامعه و اعضای آن صنف است. منظوری این نیست که همه بیايند در این فستیوال شرکت کنند.

در حاشیه روز نهم جشنواره

چه کسی زنگ بیست و هفتم را به صدا در خواهد آورد؟

● کامل نوروزی

بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود، مسوولان و برگزارکنندگان جشنواره سختی‌ها و مرارت‌های فراوان و دل‌نگرانی‌ها و شیطنت‌هایی را که برخی مغرضان ابراز داشتند، به جان خریدند و جشنواره‌ای با چنین گستردگی را در سطح کشور برگزار کردند. طبیعی است که جشنواره‌ای با این همه عظمت، کم و کاستی‌هایی را نیز در پی داشته باشد، اما هرگز این نقصان‌ها، به صورتی برجسته نمود نداشته و گهگاه توسط برخی مغرضان آگران‌دیسمن شده است. در طی بیست و پنج سال، جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با دبیری افراد گوناگون تئاتری برگزار شده و هر یک از این بزرگان تئاتری کوشیده‌اند، جشنواره‌ای بهتر از سال پیش برگزار کنند و با حفظ ارزش‌ها و شأن انقلاب، گام‌های مفید و موثری را در توسعه تئاتر کشور بردارند، اما جشنواره بیست و ششم، بیش از همه جشنواره‌های پیشین، بر تارک تئاتر ایران درخشید و با حضور آثار ارزنده ایرانی و خارجی، عظمت و ابهت تئاتر ایران را در برابر تئاتر جهان به اثبات رساند.

بی‌شک درخشندگی جشنواره بیست و ششم بدون همسویی و همدلی و همراهی حسین پارسایی مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی و نظارت دقیق و همه‌جانبه مجید سرسنگی دبیر جشنواره و حضور همه بزرگان تئاتری در این عرصه بین‌المللی میسر نبود و امید که این وحدت و همبستگی در همه عرصه‌های هنری مستمر و مداوم ادامه یابد و به دور از نفاق‌افکنی‌ها، به پیوندی باشکوه و ابدی بیانجامد. تاکنون، در طی بیست و شش سال برگزاری تئاتر بین‌المللی فجر، بیست و شش نفر از فرهیختگان و نام‌آوران تئاتری بیست و شش زنگ را در فضای فجر انقلاب به صدا درآورده‌اند و باید منتظر به صدا درآمدن زنگ بیست و هفتم باشیم، به راستی چه کسی زنگ بیست و هفتم را به صدا در خواهد آورد؟

● شکر خدا جای جهانگیر

در نمایشنامه خوانی رودکی «جهانگیر الماسی» که نقش رودکی را خوانش می‌کرد به سبب حضور در صحنه فیلمبرداری حاضر نشد و شکر خدا گودرزی نقش او را روخوانی کرد.

● بازیگر قسطی

ناصح کامکاری به علت حضور بازیگرانش در یک سریال! منظومه مور بی‌ملکه را در مولوی اجرا نکرد و اصغر دشتی پینکیو را تنها در سانس اول در این سالن اجرا کرد. چرا که بازیگرانش باید به کار آتیلا پسیانی می‌رسیدند.

● طولانی‌ترین‌ها در روز آخر:

طولانی‌ترین نمایشنامه خوانی تراژدی رودکی بود که ۱۷۰ دقیقه به طول انجامید و طولانی‌ترین نمایش ننه دلاور که ۴ ساعت طول کشید.

● استقبال از رودکی

از تراژدی رودکی استقبال خوبی به عمل آمد و هنرمندان بسیاری از این نمایش دیدن کردند.

● تقدیم به بهزاد

نمایشنامه خوانی رودکی به روح بهزاد رضوی تقدیم شد.

● همه جا باشیم

اجرای نمایش خیابانی در سالن انتظار اصلی تئاتر شهر. همزمان همه جا نمایش اجرا می‌شد چون مسوولان نمایش‌های خیابانی می‌خواستند روز آخر همه جا نمایش اجرا شود.

● بازیگر فداکار

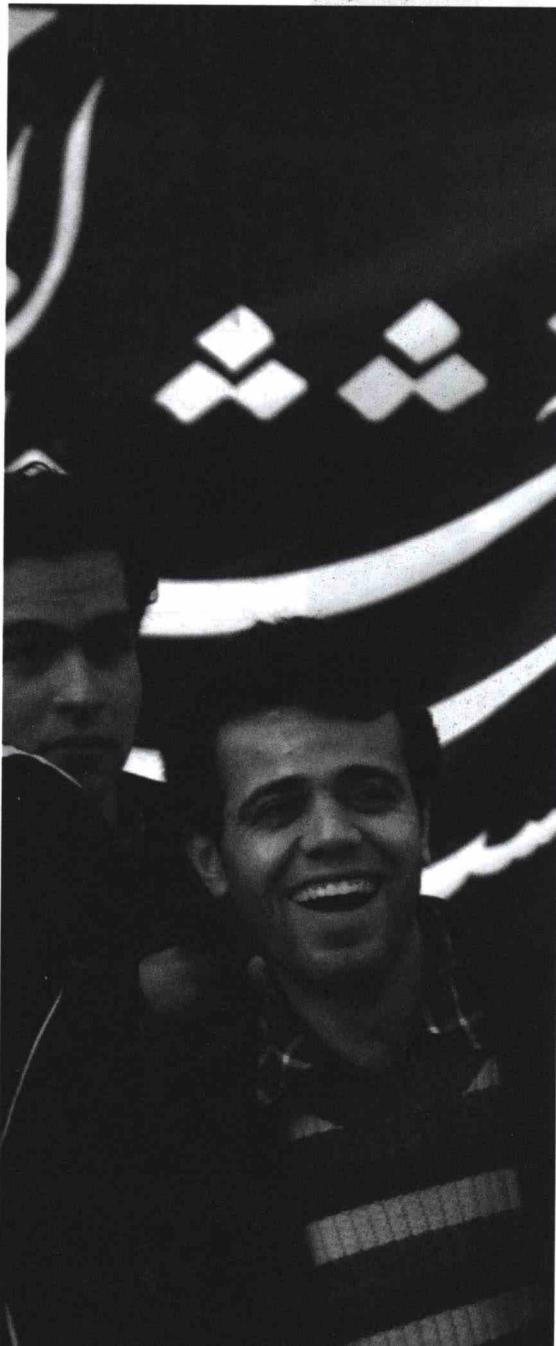
کرامت رودساز با پای شکسته در نمایش «چاه» ایفای نقش کرد. کلاً همه هنرمندان تئاتر متعهدند.

● دکتر سرسنگی؛ خسته نباشید

اما جواب سرسنگی: این هنرمندان، مسوولان سالن، دکور، راهنمایان و به خصوص خبرنگاران بودند که خسته شدند. در قیاس با آنها ما کاری نکردیم.

● موبایل قاپون

آتیلا پسیانی وسط اجرای نمایش «کشتی شیطان» موبایل تماشاگری که داشت از نمایش عکسبرداری می‌کرد را گرفت و تماشاگر بیچاره بهت زده بقیه نمایش را نگاه کرد.

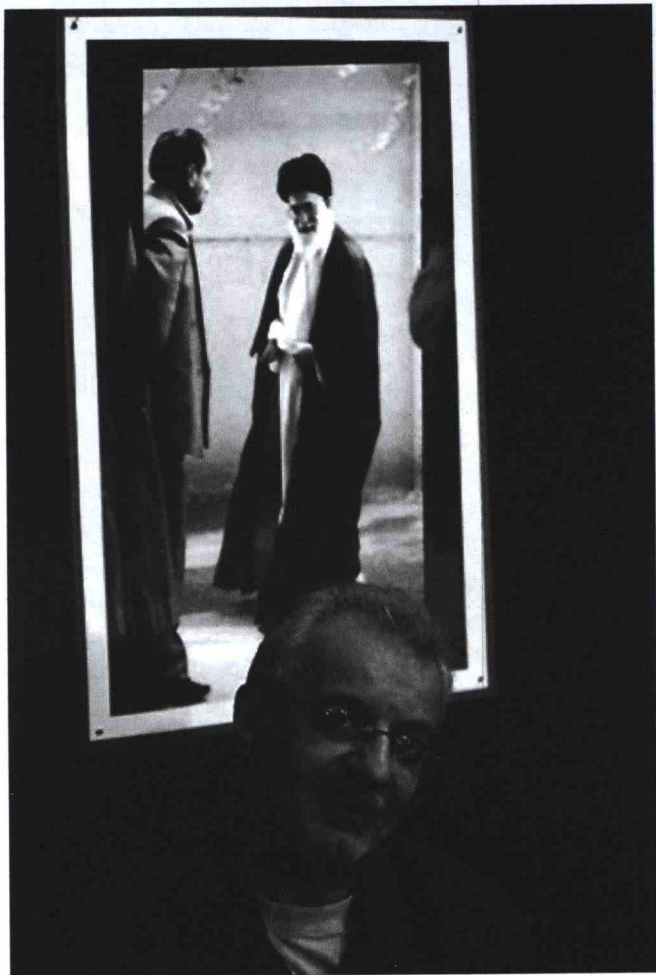


از «حسن خجسته»، معاون صدا تقدیر شد

تئاتر و رادیو؛ یک دوستی

یک صد ساله

صنعت تمام، بر این اساس پیوند این حوزه‌ها موجب ایجاد تأثیری بر همدیگر خواهد شد.



از مخاطبان را به خود جلب کند که حتی نسبت به دو سال گذشته رشد داشته است.

تئاتر در رادیو: هنر - صنعت

حسن خجسته درباره به رادیو کشیده شدن تئاتر می‌گوید: «۲ رسانه تئاتر و رادیو، دارای ماهیت متفاوتند، باید ببینیم با تلاقی‌شان به یکدیگر، چه اتفاقی رخ می‌دهد. تئاتر در «حضور» است، حال آن‌که نمایش رادیویی، در «غیاب» است. در تئاتر، «صحنه» بر مخاطب تحمیل می‌شود، حال آن‌که در رادیو، «صحنه» بر مخاطب تحمیل نمی‌شود. نکته دیگر آن‌که تئاتر پرهزینه است، در حالی که رادیو، ارزان است، چون بخشی از آن، نگاه صنعتی است. ما نمی‌توانیم سی سال به فردوسی فرصت دهیم تا شاهکارش را به رادیو بیاورد، چون نباید آنتن خالی باشد. این نویسنده یا آن نویسنده، فرقی نمی‌کند؛ باید کار برسد و ارتباط رادیو با مخاطب قطع نشود.»

اودر نشست تئاتر و رسانه با موضوع نمایش رادیویی درباره تئاتر و رادیو به هویت این ۲ رسانه اشاره می‌کند: «تئاتر یک رسانه است، رادیو هم یک رسانه است. تئاتر یک رسانه قدیمی با بیش از ۲۵۰۰ سال پیشینه است و رادیو یک رسانه مدرن با کمتر از ۱۰۰ سال قدمت است. حال از برخورد

این ۲ رسانه در قالب نمایش رادیویی، اتفاق مهمی به وقوع می‌پیوندد.»

حسن خجسته درباره رابطه رادیو و تئاتر می‌گوید:

«نمایش اگر چه هنر متعالی است، اما در ورود به رادیو تبدیل به صنعت-هنر می‌شود و به همین دلیل دچار تقلیل و تحویل می‌شود. رادیو بسیاری از عناصر نمایش را نمی‌تواند انتقال بدهد. در نویسندگی برای رادیو همه چیز را نمی‌توان از طریق نمادهای صوتی منتقل کرد. گرمای صحنه، در رادیو تبدیل به تخیل در غیاب می‌شود. بنابراین نمایش در رادیو نه هنر تمام است و نه

گسترش چشمگیر فعالیت‌های رادیو در سال‌های اخیر و همین‌طور ضریب نفوذ آن در میان توده‌های مردمی باعث شده حضور تئاتر در رادیو و افزایش کمی نمایش‌های رادیویی از اهمیت دو چندان برخوردار شود. نگاهی به شکل‌گیری رادیو فرهنگ و رادیو جوان و همین‌طور توجه این شبکه‌ها به تئاتر باعث شد در جشنواره بیست و ششم تئاتر فجر، بخشی به عنوان نمایش‌های رادیویی در نظر گرفته شود و از «حسن خجسته»، معاون صدا سازمان صدا و سیما قدردانی شود.

دکتر حسن خجسته در سال ۱۳۷۰ معلمی در مشهد را ترک کرد و به رادیو در تهران آمد. در خراسان مسئولیت آموزش و پرورش را داشت. بعد در تهران مسئول منطقه ۱۷ شد؛ دبیر و بازرس.

او در اوایل سال ۱۳۷۲ مدیر گروه استان تهران رادیو شد. در همان سال ۲ برنامه معروف سلام تهران و عصر به خیر تهران و... را در رادیو اجرا می‌کرد. روزی شش ساعت در رادیو برنامه داشت تا آذر ۷۳ که شبکه تهران مستقل شد. تا سال ۱۳۷۷ مدت کوتاهی قائم مقام آقای مهاجرانی معاونت صدا بود. آن‌طور که خودش می‌گوید یک روز به دعوت آقای لاریجانی معاون صدا شد: «آقای لاریجانی ما را صدا کرد و گفت می‌خواهد جابه‌جایی صورت دهد و معاونت صدا به من واگذار شد. فکر کنم خرداد ۷۷ بود.»

استراتژی رادیو: جذب مخاطب

او از روزهای ورودش به رادیو چنین یاد می‌کند: «زمانی که من به رادیو آمدم مطالعاتی درباره مخاطبان رادیو انجام دادیم که دیدیم تا سال‌های ۷۰ و ۷۱ سیر نزولی در تعداد شنونده داشتیم. نیازهای مخاطبان ما متفاوت شده بود و نمی‌شد که همه آن نیازها را با یک شبکه رادیویی پاسخ دهیم. در سال ۷۸ استراتژی رادیو را «جذب مخاطب» قرار دادیم و تا دو سال بعد توانستیم مخاطبان رادیو را افزایش دهیم.»

دکتر خجسته مدیریت استراتژیک دارد. او مخاطبان خود در رادیو را به سه دسته تقسیم می‌کند: «ما مخاطبان مان را طبقه‌بندی کردیم. در حال حاضر ما سه نوع شبکه داریم؛ یکی عمومی‌ها هستند مثل پیام و شبکه سراسری. یک سری شبکه‌های اختصاصی داریم مثل شبکه جوان. یک سری هم شبکه‌های تخصصی داریم مثل شبکه قرآن، معارف یا فرهنگ و ورزش.»

او می‌گوید: «در رادیو ما به دنبال تغییر فرم هستیم که خیلی سخت است. چون ما فقط عنصر صدا را داریم. رادیو پیام در این روزها توانسته نظر تعداد قابل توجهی

سلامی دوباره به آفتاب

گسترده‌ای نداریم، تا به حال توفیق جدی در جذب متون ایرانی مناسب نداشته‌ایم و نقص‌های فراوانی داریم، اما منتظر آثاری هستیم که ناظر بر فرهنگ خودی باشد.

پورحسین معتقد است: «تئاتر تلویزیونی تئاتر صحنه نیست. برخی می‌گویند در دنیا مرسوم است که تئاتر صحنه را ضبط و با کمی تغییر از تلویزیون پخش می‌کنند و برخی دیگر بر این عقیده‌اند که تئاتر صحنه با نمایش تلویزیونی متفاوت است و در تله‌تئاتر، نمایش باید با متن جدید و میزانشن متفاوت آرایه شود. در این زمینه باید تحقیق شود تا دریابیم که آیا تئاتر صحنه می‌تواند همان نمایش تلویزیونی باشد؟»

نگاه متفاوت و دلسوزانه او به تئاتر در تلویزیون تا آنجا پیش رفته که ابراز امیدواری می‌کند در صورت تامین اعتبارات لازم قصد داریم در ۵۲ هفته‌ای که تله تئاتر پخش می‌کنیم، همه آثار جدید باشند. او در عین حال می‌گوید: «تحقق این امر بودجه قابل ملاحظه‌ای را می‌طلبد که از آرزوهای خود من است و امیدوارم طی دو سال آینده محقق شود.»

دکتر پورحسین در توضیح اینکه چرا در میان چند شبکه سیما تنها شبکه چهار به پخش تله‌تئاتر اهتمام دارد، می‌گوید: «مخاطب عام چندان به تله تئاتر اقبال نشان نمی‌دهد، بنابراین باید در شبکه‌ای این ساختار ساخته شود که دیده شود، اما اگر هدف از ساخت تله تئاتر بالا بردن ذائقه مردم باشد باید این ساختار در شبکه‌های دیگر هم ایجاد شود که متأسفانه این اهتمام وجود ندارد و ساخت نمایش تلویزیونی به شبکه چهار سیما محدود شده است.»

مدیر شبکه چهار ادامه می‌دهد: «برای آشتی دادن مردم با تئاتر باید ذائقه‌های مردم را بالا برد. در حال حاضر در برنامه‌های کودک ما در مقایسه با قبل، آیتم‌های نمایشی کمتری پخش می‌شود. این بچه‌ها از سواد نمایشی کمتری برخوردار خواهند بود و در آینده تغییر ذائقه آنان نیز بسیار دشوار است. در حال حاضر این اتفاق در خصوص تئاتر هم رخ داده و مردم کمتر در معرض تئاتر قرار گرفته‌اند.»

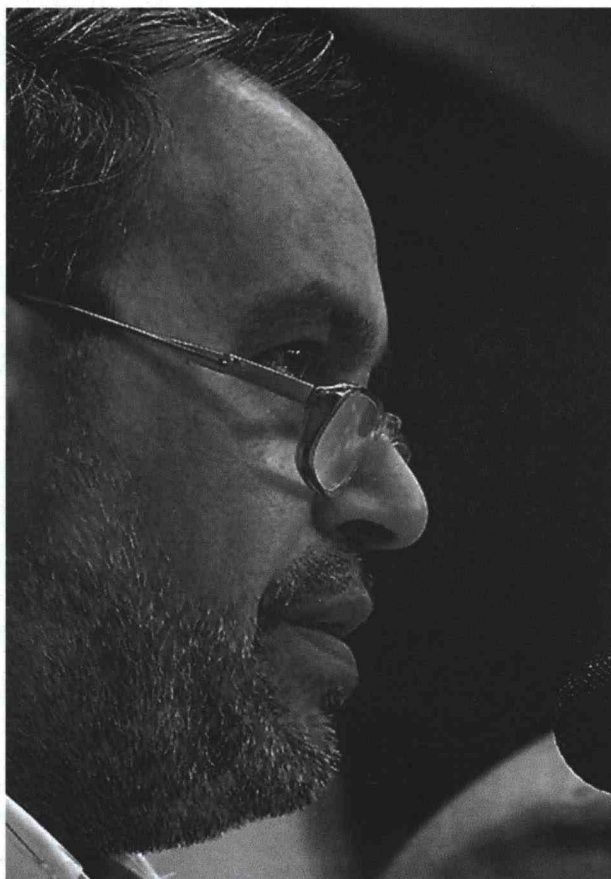
تمام آنچه از پورحسین گفته شد و برنامه‌های او برای گسترش و خدمت به تئاتر ایران مسئولان تئاتر و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بر آن داشت تا از او در بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تقدیری شایسته زحمت‌هایش به عمل آورند.

«من به عنوان یک روان‌شناس، تئاتر را یکی از رسانه‌های پرنفوذ و مدیومی می‌دانم که در لایه‌های زیرین شخصیت نفوذ می‌کند.» شاید تصور داشتن چنین نگاهی از سوی مدیران رسانه‌ای چندان دور از انتظار نباشد، اما سال‌ها جای خالی تئاتر در رسانه‌هایی چون رادیو و تلویزیون نشان می‌دهد کمتر مسئولی چون دکتر «رضا پورحسین» به این امر اعتقاد داشته است، چنان‌که در نهایت در دوره مدیریت او بر شبکه چهار سیما این امر محقق شد و تئاتر به سیما راه یافت.

افزایش کمی و رشد کیفی تله‌تئاترها در چند سال اخیر به خصوص در شبکه چهارم سیما نشان از توجه خاص مدیر این شبکه به تئاتر داشت. دکتر پورحسین در این باره می‌گوید: «تله تئاتر در سال ۱۳۳۷ یا ۳۸ در تلویزیون آغاز شد. بعد از انقلاب فقط شبکه دو تله تئاتر پخش می‌کرد و سپس به شبکه چهار آمد. شبکه‌ای که معمولاً کسانی که از سواد بصری بالایی برخوردارند مخاطب آن هستند.» او درباره اهمیت حضور تئاتر در تلویزیون می‌گوید: «یک تئاتر صحنه‌ای را بیشتر از یک یا دوهزار نفر نمی‌بینند، اما یک تله تئاتر را ممکن است میلیون‌ها نفر ببینند. بردن صحنه به سوی تله تئاتر و خالی کردن صحنه کار ثواب رسانه‌ای نیست. کار ثواب آن است

که تله تئاتر برای رفتن مردم به سالن ایجاد انگیزه کند. قطعاً کار مدیریت رسانه باید این باشد که مردم را برای رفتن به سالن نمایش ترغیب کند.»

نگاه ویژه پورحسین به تئاتر شاید مدیران تئاتر کشور را بر آن داشته تا از او تجلیل کنند. «عدم استقبال از تئاتر به معنای ناموفق بودن مدیوم تئاتر نیست بلکه پایین بودن سواد بصری یک جامعه را نشان می‌دهد. برای مثال در جامعه‌ای مانند روسیه میزان استقبال از تئاتر کمتر از رسانه‌یی مانند تلویزیون نیست.» مدیر شبکه چهار در ادامه می‌گوید: «ما ادبیات نمایشی



مروری بر زندگی و آثار اکبر زنجانیپور، بازیگر، کارگردان و طراح صحنه

به محاق فراموشی سپرده نمی شود

اکبر زنجانیپور، کارگردان، بازیگر و طراح صحنه تئاتر است که از دهه ۴۰ پا به عرصه این هنر مردمی گذاشت و از همان آغاز هم با نگاهی متعهدانه و پیروی از زیبایی‌شناسی در صحنه به عنوان یک هنرمند فعالیت خود را ادامه داده است.

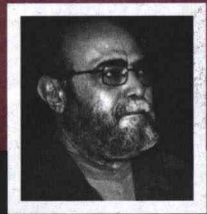
او که امروز به ۶۱ سالگی رسیده، از سال ۱۳۴۵ و همزمان با ورود به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بازیگری در تئاتر را آغاز کرد. بازی در نمایش فیل در پرونده به کارگردانی صادق هاتفی و کودکی در دل زمان به کارگردانی هوشنگ انصاری‌فر در سال ۱۳۴۵ اولین گام‌های آماتوری - تجربی او به شمار می‌آید، که از بازی در نمایش «چوب زیر بغل» به کارگردانی بهمن فرسی در سال ۴۷ پا به دنیای حرفه‌ای گذاشت. بودن در کنار بهمن فرسی که در دهه ۴۰ و ۵۰ یکی از کارگردانان آوانگارد ایران به شمار می‌آمد، یکی از اتفاقاتی است که خواسته یا ناخواسته در بروز خلاقیت، اندیشه و آثارش تاثیرگذار بوده است.

در سال ۴۸ از سوی حمید سمندریان برای بازی در نمایشی نگاهی از پل اثر آرتور میلر، زمینه کارکردن آثار این درام‌نویسی برجسته و معاصر آمریکایی را در زنجانیپور ایجاد می‌کند. یک بار دیگر در این سال با بهمن فرسی و در اجرای نمایش صحنه‌ای و تلویزیونی صدای شکستن همکاری می‌کند. بازی در فیلم بیتا به کارگردان هژیر داریوش در سال ۴۹ سرآغاز بازیگری او در سینماست. در این فاصله همکاری با کارگردان‌هایی مانند صادق هاتفی، کیهان رهگذر و داریوش فرهنگ در پرونده کاری‌اش ثبت می‌شود. تا اینکه در این سال نمایشی از محمود دولت‌آبادی را در دانشکده هنرهای زیبا اجرا می‌کند. همین تنوع بازی در نمایش‌نامه‌ها و کارگردانی‌های متفاوت، به او وسعت دید می‌دهد.

در سال ۴۹ با جعفر والی (بام و زیر بام‌ها)، سیروس ابراهیم‌زاده (تیار فرنگی) و داریوش فرهنگ (مستخدم گنگ) همکاری می‌کند و در سال ۵۱ در ملاقات بانوی سالخورده اثر فریدریش دورنمات و به کارگردانی حمید سمندریان بازی می‌کند که اجرای امسال آن بدون زنجانیپور تکرار شده است.

در سال ۵۱ نمایش روغن هنگ یوجین اونیل به کارگردانی سعید نیکپور برای شبکه ۲ را بازی می‌کند و در همین سال خود نمایش تلویزیونی نگار نوشته علی نصیریان را کارگردانی می‌کند. بازی در یک اثر از اونیل او را با این نویسنده برجسته آمریکایی آشنا می‌کند تا در سال‌های بعد نظری هم به لحاظ عملی و





اجرا به این نویسنده و آثار ببندازد.

یکی دیگر از اتفاقات مهم در پرونده کاری زنجانپور، بازی و کارگردانی نمایش تلویزیونی «۲۷ واگن پر از پنبه» نوشته تنسی ویلیامز است که آشنایی با مثلث نویسندگان مطرح آمریکایی در قرن بیستم را این گونه کامل می‌کند. اونیل، ویلیامز و میلر بهترین‌های آمریکا در قرن بیستم بوده‌اند و کارگردانی متن‌های این نویسندگان به دلیل نگاه واقع‌گرایانه و روانشناختی و جامعه‌شناختی می‌توانست زمینه بیان معضلات و مشکلات انسان معاصر را با نگاهی تعمیم‌پذیرانه در ایران هموار سازد.

او همچنین در چندین کار از محمدعلی جعفری و جعفر والی که از نام‌های برجسته تئاتر کشورمان به شمار می‌آیند، بازی می‌کند. بدیهی است که همین رویارویی با اسم‌های برجسته و جدی جدیت و خلاقیت را در هنر این کارگردان-بازیگر برجسته‌تر ساخته است.

تا اینکه در سال ۵۴ یک اتفاق زیبای دیگر در پرونده کاری او ثبت می‌شود، همکاری با رکن‌الدین خسروی در مقام بازیگر در نمایش ابراهیم توپچی و آقا بیک نوشته منوچهر رادین در تالار سنگلج. خسروی هنوز هم جزء بهترین‌های کارگردانی در ایران به شمار می‌آید که هم‌اکنون در لندن مقیم است و به فعالیت هنری می‌پردازد. در سال ۵۵ در فیلم شطرنج باد محمدرضا اصلانی بازی می‌کند و این فیلم هم در زمان خود جزء آثار هنری و جدی سینمایی تلقی می‌شود. او پرونده کاری خود در پیش از انقلاب را با نمایش «سی زوئه بانسی مرده است» به کارگردانی رکن‌الدین خسروی می‌بندد و در سال ۵۸ با بازی در نمایش امپراتور جزیره به کارگردانی مجید جعفری در تالار وحدت باب تازه‌ای در زمینه فعالیت هنری خود می‌گشاید که تا امروز هم ادامه یافته است.

در سال ۵۹ نمایش «همه پسران من» آرتور میلر را کارگردانی می‌کند که با استقبال مخاطبان و نظر مثبت منتقدان این کار روبه‌رو می‌شود. شاید همین کار جدیت او را برای مواجهه با کارگردانی مضاعف می‌گرداند و این تلاش و جهد در همین سال با کارگردانی نمایش مروارید نوشته عزت‌الله مهرآوران تکرار می‌شود و اجرای آن را در سال ۶۱ در تالار سنگلج تکرار می‌کند.

در سال ۶۲ در مقام کارگردان و طراح صحنه، نمایش مرگ دستفروش آرتور میلر را در تالار اصلی تئاتر شهر اجرا می‌کند و یک بار دیگر با استقبال عمومی روبه‌رو می‌شود.

بعد بازی در سینما را برای چند سال ادامه می‌دهد و بازی موفق او در «گزارش یک قتل» به کارگردانی محمدعلی نجفی در سال ۶۵ به یادماندنی است.

او که دو متن از آرتور میلر را پشت سر گذاشته در سال ۶۶ در تالار سنگلج نمایشی ارزشی را به صحنه می‌آورد تا در سومین گام نیز یک وجه دیگر از تفکر و شخصیت این درام‌نویس برجسته آمریکایی را برای علاقه‌مندان به تئاتر آشکار سازد. در همین سال اجرای آثار چخوف را شروع می‌کند و در اولین گام باغ آلبالو را در تالار وحدت اجرا می‌کند.

سه، چهارسالی وقفه در فعالیت‌های هنری او می‌افتد تا اینکه در سال ۷۰ با کارگردانی، طراحی صحنه و بازی نمایش ساحره سوزانی در تالار سنگلج بر حضور جدی و متعهدانه خود تاکید می‌کند. در همین سال بازی در سریال مشهور عطر گل یاس به کارگردانی بهمن زرین‌پور را پشت سر می‌گذارد که هنوز هم این سریال در یاد و خاطر بینندگان باقی مانده است.

در سال ۷۵ یک بار دیگر به سراغ آنتوان چخوف روسی می‌رود و در تالار وحدت مرغ دریایی را به صحنه می‌آورد. در این سال‌ها تئاتر محضر و بیمار به نظر می‌رسید و زنجانپور به همراه غریب‌پور و میرباقری جان دوباره‌ای به این هنر دادند تا بلکه آن را از مرگ حتمی و همیشگی برهانند. مرغ دریایی زنجانپور با بازی مینا لاکانی و امین زندگانی تبدیل به یک بحث جدی در مطبوعات و دانشکده‌های تئاتر می‌شود.

این کارگردان در سال ۷۷ نمایش گوریل پشمالوی یوجین اونیل را در تالار اصلی تئاتر شهر به صحنه آورد که متأسفانه با اقبال عمومی روبه‌رو نشد و تبلیغات کم مانع از ارتباط گرفتن تماشاگران با این کار شد. یک سال بعد با بازی در نمایش آخرین بازی نوشته و کار محمود استادمحمد دوباره خوش درخشید. این متن در فرهنگسرای نیاوران و سپس تالار سایه تئاتر شهر به صحنه آمد. نقد و نظرهای زیادی درباره این کار نوشته شد و بازی زنجانپور در کنار بازی رضا بابک از امتیازات خاص این اجرا بود.

زنجانپور این بازی‌های به‌یادماندنی را با بازی در نمایش شازده احتجاب به کارگردانی علی رفیعی در سال ۸۰ در تالار وحدت و شب هزار و یکم نوشته و کار بهرام بیضایی در تالار چهارسو در سال ۸۲ تکرار کرد.

او در سال ۸۲ باز به سراغ چخوف می‌رود و نمایشنامه ایوانف را به شیوهای مدرن کار می‌کند. این علاقه‌مندی به چخوف در سال ۸۳ با اجرای سه خواهر و بدون

بازی خودش ادامه پیدا می‌کند. سه خواهر در این سال یکی از پرمخاطب‌ترین آثار شد و البته برخی درصدد برآمدند با نوشتن نقدهایی نگاه و تحلیل نوین زنجانپور به سه خواهر را زیر سوال ببرند. خوشبختانه مردم به دیدن این کار آمدند برای آنکه با زمانه حاضر ما و زندگی اینجا کاملاً همخوانی داشت.

زنجانپور یک بار دیگر به سراغ مرگ دستفروش میلر می‌رود و آن را در سال ۸۴ برای تلویزیون کارگردانی می‌کند و در این کار و در مقام بازیگر و طراح صحنه هم فعالیت می‌کند. در سال ۸۵ به سراغ هنریک ایبسن می‌رود، تا یک اثر اجتماعی و متعهدانه را به صحنه آورد و البته در متن دخل و تصرف می‌کند تا با زمانه امروز تطابق پیدا کند و همچنان نگاه اکسپرسیونیستی را در اجرای آن لحاظ می‌کند.

او در سال جاری می‌خواست دایی و انیا را به صحنه بیاورد، تا یک پرونده کاری کامل از آثار چخوف را در پرونده کاری خود داشته باشد. متأسفانه این اقدام در مرحله تمرین متوقف می‌شود. در این خصوص می‌گوید: من متن‌های چخوف را دوست دارم و با آثارش رابطه برقرار می‌کنم، بنابراین دوست دارم که متن‌های او را اجرا کنم. بلا تکلیفی پرسوناژها و سرخوردگی آنها در آثار چخوف بسیار جذاب است. این آدم‌ها حالتی را در آدم ایجاد می‌کنند که بخواهد درباره‌شان بیشتر کنکاش کند که چرا باید این قدر بلا تکلیف باشند.

او معتقد است که آثار چخوف فراتر از تاریخ و جغرافیا قابل مطرح شدن هستند. برای آنکه مساله او مساله خود آدم‌ها است. چخوف درباره آدم‌ها خط‌کشی نکرده است. درام‌های قوی برخلاف درام‌های ضعیف و تاریخ مصرف‌دار تحت هیچ شرایطی به محاق فراموشی سپرده نمی‌شود.

اکبر زنجانپور بی‌مدعا و آرام است. نه به کسی نان قرض می‌دهد و نه به دنبال منفعت طلبی است. او فقط می‌خواهد یک هنرمند در معنای حقیقی آن باشند. البته همیشه هم موفق نیست برای آنکه هم آدم‌های پیرامونش با او همخوان نیستند و هم اینکه نمی‌توانند مثل او زندگی کنند.

زنجانپور در این سال‌ها به دنبال اجرای متن‌های زیادی مانند هدا گابیر اثر ایبسن، دایی و انیا اثر چخوف و اثری از میرآقا تبریزی بوده است که هنوز این آرزوها عملی نشده است. شاید بهترین تقدیر از او آماده ساختن زمینه‌های کاری است تا همچنان در صحنه باشد و بماند.

گفتگو با دکتر محمود عزیزی، بازیگر، کارگردان و مدرس تئاتر

هنرمند، مدیر، مدرس

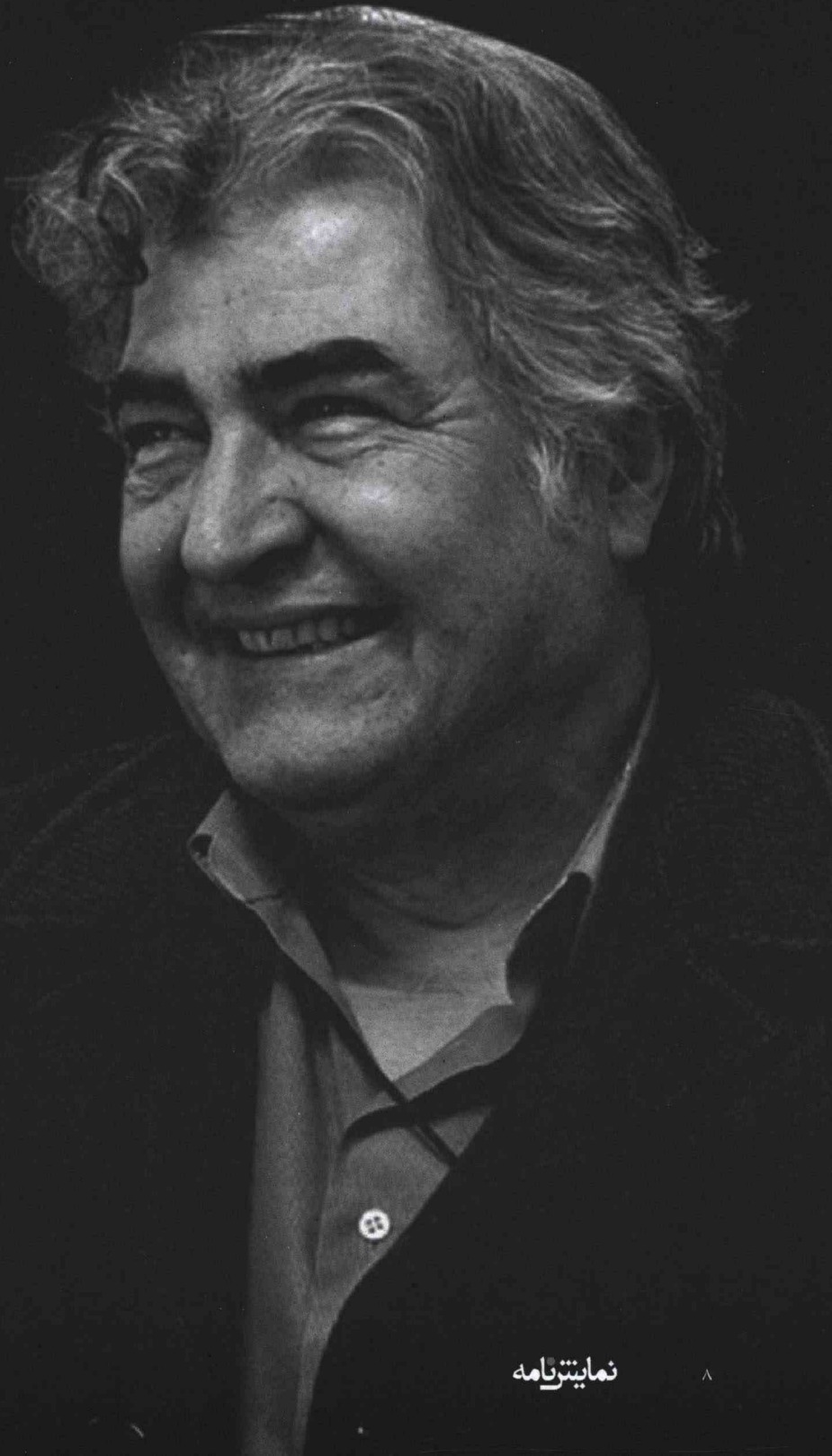
«دکتر محمود عزیزی» کارگردان، بازیگر و مدرس تئاتر، یکی از تقدیرشدگان جشنواره تئاتر فجر است. اولین برخوردهای او با تئاتر در دوران کودکی و در مجالس عروسی بود که با تئاتر عروسی و تخت حوضی آشنا شد، خود در این باره می‌گوید: «در محله ما گروه ثابتی وجود داشت که به اجرای تعزیه می‌پرداخت؛ یعنی «میرزا نصرا... خان» که هم‌اکنون فرزندانش نیز به همین حرفه می‌پردازند، به شکل مداوم به اجرای تعزیه می‌پرداخت و بدین ترتیب من با سه شکل نمایش سنتی ایران آشنا شدم و بعدها نیز با تئاتر لاله‌زار ارتباط گرفتم.»

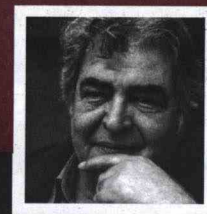
«محمود عزیزی» در همان دوران در مدرسه به شکل رسمی در نمایش «رستم و سهراب» به ایفای نقش پرداخت که البته هیچ گاه به مرحله اجرا در نیامد. او تحصیلات خود را در دیپلم ریاضی به پایان رساند، اما در همین دوران عشق و علاقه مفرط او به هنر نمایش او را به سمت گروه «بیژن مفید» کشاند و پس از آن به خارج از کشور مهاجرت و لیسانس، فوق لیسانس و دکترای تخصصی خود در رشته تئاتر اخذ کرد و همزمان به عنوان بازیگر در آثاری چون رویای؟؟ شب تابستان، اودیپ شهریار و زوجی برای زمستان به ایفای نقش پرداخت. «عزیزی» در همان دوران در فرانسه به تدریس تئاتر نیز می‌پرداخت و تئاتری به نام «ارکان» را نیز به روی صحنه می‌برد.

وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، او را پس از سال‌ها به ایران کشاند. عزیزی از خاطرات آن دوران خویش چنین یاد می‌کند: «در سال‌های اول انقلاب، رئیس وقت اداره تئاتر، هوشنگ توکلی، مرا به سمت مسوولیت هنری تئاتر لاله‌زار منصوب کرد ضمن آنکه خودم نیز در تئاتر هنر مستقر بودم. بعدها در کنار عظیم موسوی در بخش فرهنگی بنیاد شهید شرکت داشتم و اولین نمایشی که در بعد از انقلاب کار کردم «مسلم ابن عقیل» به کارگردانی «عظیم موسوی» بود.»

او همچنین به عنوان داور اولین جشنواره فجر نیز حضور داشته است و ضمن آشنایی با «علی منتظری» به عنوان اعضای هیات علمی جهاد دانشگاهی به فعالیت‌های فرهنگی و هنری خود ادامه داد و به عنوان سرپرست اداره تئاتر منصوب شد. شکل دادن به انجمن نمایش نیز یکی دیگر از فعالیت‌های اوست؛ که باعث عضویت در انستیتو بین‌المللی تئاتر (iti) شد.

دکتر «محمود عزیزی» همچنین به عنوان متولی اولین





اجرای یک نمایش ایرانی در خارج از کشور فعالیت کرد. او خود نیز بر این مساله صحه گذاشته و می‌گوید: «به همت من برای نخستین بار اشکال نمایش سنتی ایران مثل تخت حوضی، تعزیه و تئاتر عروسکی در خارج از کشور به اجرای برنامه پرداختند.»

او مدتی نیز به معاون آموزشی مرکز فیلمسازی اسلامی باغ فردوس فعالیت کرده است.

از دیگر فعالیت‌های او می‌توان به مدیریت گروه تئاتر پارک لاله اشاره کرد. «عزیزی» درباره فعالیت خود در آن سال‌ها چنین اظهار نظر می‌کند: «من در تمام سال‌های فعالیتیم یک سری کارها را بر مبنای تفکرم انجام دادم، برای مثال «پرند سبز» را به این علت ترجمه و کارکردم تا آزمایشی برای جوانان قلمداد و به آنان این نکته تفهیم شود که می‌توان از اشکال نمایش تخت حوضی نیز تئاتر درست کرد. همچنین شکلی از «پرفورمنس آرت» را کار کردیم که نمایش «تبعیدی» از آن بیرون آمد و با همین شکل و شمایل نیز نمایش «اقلیما» را به روی صحنه بردیم. یادم می‌آید در آن زمان مرکز هنرهای نمایشی بودجه، اندکی در دست داشت و از همین روی ما نمایش «یونس» را به شکل تک نفره در اداره تئاتر اجرا کردیم تا بفهمانیم که می‌توان با بودجه اندک نیز به اجرای نمایش پرداخت.»

«عزیزی» همچنین اولین تجربه با تکنولوژی مدرن را در ارتباط تئاتر کامل و با همراهی حرکات موزون، لحن آوازی، کلام و... در نمایش «مسلم ابن عقیل» در تئاتر انجام داد که باید آن را آغازی برای حرکات موزون قلمداد کرد. همچنین حضور او در تئاتر هنر با اتفاقات فراوانی در این عرصه همراه بود؛ اولین اثری که او در این سالن به روی صحنه برد «هردمیل» و «مدیرکل» بود؛ اتفاقی که دیگر سال‌هاست تکرار نشده و شاهد حضور حرفه‌ای‌های تئاتر در این عرصه نیستیم.

او نیز مانند بسیاری دیگر آثار فراوانی را برای اجرا در ذهن خود دارد که تاکنون موفق به روی صحنه بردن آنان نشده است. آثاری چون «رویای نیمه شب تابستان»، آنچنان که خود می‌گوید: «من این نمایش را در بسیاری از تئاترهای فرانسه کار کردم و دلم می‌خواست نگاه خودم در آن حاکم شود. ضمن آنکه بیش از هر چیز به دنبال تئاتر کامل که مبتنی بر اشکال نمایش سنتی بوده و در عین حال چهار عنصر نمایش را نیز داراست، بوده‌ام. این اتفاق جز در نمایش «همسرایی مختار» دیگر رخ نداد و هیچ‌گاه امکانات

لازم برای آن در اختیارم قرار نگرفت.» شاید همین دلیل کم‌کاری او در سال‌های اخیر در عرصه تئاتر باشد، او می‌گوید: «امکانات لازم برای کاری که می‌خواهم ارائه دهم، وجود ندارد ضمن آنکه من از سال‌های بسیار دور همیشه مشتاق تشکیل گروه‌های تئاتری با هویت مستقل بوده‌ام و به این مساله تاکید کرده‌ام. اتفاقی که البته تاکنون رخ نداده است و نمی‌دانم چه زمانی محقق می‌شود.»

اما یکی از مهم‌ترین وجوه فعالیت‌های عزیزی در این سال‌ها تلاش مستمر او در عرصه آموزش بوده است. دکتر عزیزی سال‌هاست که به عنوان مدرس دانشگاه فعالیت می‌کند: «من نقطه‌نظرات فراوانی در خصوص مساله آموزش دارم که البته مقداری از آن را در دانشگاه تهران پیدا کردم؛ اما باید به این مساله توجه داشت که باید در کل سیستم آموزش تئاتر تغییرات گسترده‌ای صورت گیرد. آموزش تئاتر هر روز باید متحول شود و این نیاز به کار مستمر دارد. اگرچه با همین شرایط نیز بسیاری از فعالان خوشنام عرصه هنرهای نمایشی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها هستند.»

او همچنین به نکته دیگری نیز اشاره دارد و آن اینکه تئاتر باید نهادینه شود تا بتواند به عنوان یک شغل اجتماعی مطرح شود و تا زمانی که این اتفاق رخ ندهد، نمی‌توان امیدوار بود که به شکل جهشی نقصان‌های گذشته را جبران کنیم.»

بی حیوان





حسین مسافر آستانه:

مدیر شدن، تئاتر را برایم سخت کرد

فروغ سجادی

خود را ادامه دادم.

فکر کرده‌اید؟

من در سال‌های گذشته تئاترهای با موضوعات مختلف اجرا کرده‌ام مثلاً در دوران دانشجوییم تئاتر طاعون که یک تئاتر فلسفی بود و نگاهی به انسان و جهان پیراموش را داشت تجربه کردم، یا «جشن تولد» اثر پیتری اجرا کرده‌ام. در واقع در نمایش‌های متعدد مثل خارج از حوزه نوشته ابراهیم مکی یا «مرگ من مرثیه ندارد» اثر مصطفی عبداللهی نیز حضور داشته‌ام. اما دغدغه خودم برای ارائه کار همواره تئاتر دفاع مقدس و درامهای مذهبی است، زیرا معتقدم دوستان دیگر در این حوزه‌ها بیشتر کار می‌کنند و در حیطه‌های تئاتر دینی کمتر فعالیت می‌شود. پس اگر دغدغه تئاتر کار کردن را دارم، ترجیح می‌دهم انرژی را صرف کارهایی کنم که احساس نیاز بیشتری به آن می‌شود.

● «خورشید کاروان» سالهاست که بر صحنه تئاتر است، شما بارها در گفته‌های خودتان علاقه ویژه‌ای که به این اجرا دارید اشاره کرده‌اید. چرا اصراری به تکرار اجرای این نمایش دارید و به فکر تولید یک نمایش جدید مذهبی در این سال‌ها نبودید؟

گروهی که با هم کار کردیم دغدغه‌ای برای ادامه اجرا شد و اقبال خوب این نمایش از نظر تماشاگران انگیزه ما را برای ادامه اجرا بیشتر می‌کرد و ما این حس را داشتیم تا زمانی که نمایش مورد توجه قرار دارد، به صحنه برود. همانطور که می‌دانید اکنون من دو سال است که در سمت کارگردان با گروه همکاری نمی‌کنم اما این به معنای تغییر دیدگاه و الگوی من نیست خیلی‌ها فکر می‌کردند «خورشید کاروان» تئاتر نیست و تعریف دیگری دارد اما من می‌خواستم با اجرای آن و نمایش «زخم مدینه» ثابت کنم که این نوع آثار هم می‌توانند نوعی تئاتر باشند و با مخاطب ارتباط برقرار کنند. متأسفانه این آثار از طرف کارگردانان خیلی پذیرفته نبود اما با اصرار ما و گروه فرهنگی فدک، این نمایش‌ها نشان دادند که می‌توانند مخاطب جذب کنند و بمانند به طوری که می‌بینیم هم‌اکنون کارگردانی هستند این آثار را الگوی کاری خود قرار داده‌اند از شیوه اجرایی «خورشید کاروان» در نمایش‌های خود استفاده می‌کند. البته باید بگویم در این سال‌ها نمایش‌های زیادی بر صحنه داشتیم و یادم می‌آید در یکی از بزرگداشت‌های روز جهانی تئاتر به خاطر تولید بیش از ۵ نمایش در سال به عنوان فعال‌ترین کارگردان تقدیر شدم. هرچند که

● اولین نمایش حرفه‌ای که در این سال‌ها، دوران دانشجویی به صحنه بردید چه بود؟

«خورشید کاروان» در سال ۱۳۷۱ بود که در همان دوران دانشجویی در تالار شهید آوینی دانشگاه هنر اجرا شد همچنین نمایش‌های متعددی مثل مونولوگ، طاعون، وقت حکایت رحمان که پروژه کارگردانی فوق‌لیسانس دکتر سرسنگی بود و در تالار مولوی اجرای عمومی شد و نمایش «بازی بی‌خانمان» به کارگردانی مژگان بنی‌هاشمی ایفای نقش کردم. در سال ۱۳۷۶ نیز در نمایش حجت سیدعلی‌خانی در نمایش «کنار شیر آتش‌نشانی» بازی کردم و در تالار مولوی هم کارهای زیادی اجرا کردم.

● چطور شد از تئاتر وارد عرصه مدیریتی شدید؟

در سال دوم دانشجویی در سال ۱۳۷۰ بود که به عنوان رئیس مرکز تئاتر تجربی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران انتخاب شدم و این آغاز کار مدیریتی‌ام بود و در سال ۱۳۷۲ بود که به عنوان مدیر هنرهای نمایشی بنیاد حفظ و آثار نشر روش‌های دفاع مقدس انتخاب شدم و از سال ۷۴ بود که مسوولیت دبیری جشنواره تئاتر دفاع مقدس تا سال ۱۳۸۱ به عهده من بود.

● دوره معاونت شما در مرکز هنرهای نمایشی از کی شروع شد؟

از سال ۱۳۷۶ بود که معاون مرکز هنرهای نمایشی شدم و در سال‌های ۷۷ تا ۷۸ نیز دبیری دوره دوم جشنواره سراسری تئاتر بسیج به عهده من گذاشته شد و در سال ۷۷ بود که به عنوان مدیرعامل انجمن تئاتر دفاع مقدس انتخاب شدم و تاکنون هم در این سمت مشغولم. البته هیچ کدام از این مدیریت‌های با برنامه‌ریزی از قبل و حسابرسی نبود. همواره من در موقعیتی قرار داده شده‌ام تا مسوولیتی در تئاتر را عهده‌دار شوم. در واقع شرایطی ایجاد شده که من به جهت خدمت در عرصه تئاتر احساس مسوولیت کنم و فکر کنم شاید حضور من در این بخش بتواند به جریان تئاتر کشور کمک کند اما واقعیت این است که دغدغه من در طول این سال‌ها اجرای تئاتر بوده و از تئاتر کار کردن راضی‌تر از مدیریت هستم و مایلم همواره در عرصه کارگردانی فعالیت کنم تا مدیریت.

● شما در عرصه تئاتر معمولاً به ژانر ارزشی مثل کارهای مذهبی، دینی و دفاع مقدس تمایل دارید. هیچ‌گاه به تجربه کردن سبک‌های دیگر تئاتری نیز

حسین مسافر آستانه را همه ما از جشنواره تئاتر دفاع مقدس و دوران معاونتش بر مرکز هنرهای نمایشی در تئاتر می‌شناسیم، اما واقعیت این است که او سال‌های خیلی دور، زمانی که دانش‌آموزی در آستانه اشرفیه بود به تئاتر فکر می‌کرد و نمایش‌های خود را به صحنه می‌برد. او در زمینه‌های دیگری غیر از دفاع مقدس و ژانر مذهبی نیز تجربه تئاتر کار کردن و بازی بر صحنه را دارد. اما ماندگارترین خاطره تئاتری او، «خورشید کاروان» و دوران مدیریت مقیدش در تئاتر دفاع مقدس و مرکز هنرهای نمایشی است.

در آیین پایانی جشنواره بیست و ششم بزرگداشتی برای او برگزار شد. حسین مسافر آستانه در سال ۸۵ و در دوره بیست و چهارم جشنواره تئاتر فجر، دبیری این جشنواره را نیز تجربه کرد.

● از چه زمانی تئاتر را شروع کردید؟

فکر می‌کنم از دوران دانش‌آموزی در سال ۱۳۵۴ بود که تئاتر کار کردن را شروع کردم، زمانی که در مقطع راهنمایی درس می‌خواندم برای نخستین بار تئاتر دانش‌آموزی را تجربه کردم و از آن پس همواره در عرصه تئاتر فعال بودم و در خارج از محیط مدرسه در کانون‌های دانش‌آموزی آن را دنبال می‌کردم. پس از انقلاب اسلامی نیز عظیم فخر موسوی از فارغ‌التحصیلان تئاتر در آستانه اشرفیه گروهی را در نوروز ۱۳۵۸ جمع کرد که من هم جزء آن گروه بودم و بازیگری و طراحی صحنه را تجربه کردم.

در دوران جنگ نیز عضو گروه تئاتر بسیج مسجد بودم و در مناطق جنگی به اجرای نمایش‌های ویژه دفاع مقدس می‌پرداختیم. تئاترهایی تهیه می‌کردیم و تبلیغ و تشویق رزمندگان برای حضور در جنگ و تقویت روحیه آنها. البته در همان زمان در پشت جبهه نیز تئاترهایی را در شهرستان به صحنه می‌بردیم و در سال ۱۳۶۱ به عنوان مربی تربیتی وارد آموزش و پرورش شدم و همزمان هم در بسیج و هم در آموزش و پرورش به فعالیت تئاتری خودم ادامه دادم، در کنار آن رفت و آمد به جبهه را نیز داشتم. پس از جنگ در سال ۱۳۶۸ وارد دانشگاه شدم و به طور جدی با تیم‌های دانشجویی تئاتر کار کردم و در گرایش کارگردانی هنرهای زیبای دانشگاه تهران تحصیل کردم و بعد در سال ۱۳۷۲ از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم و در دانشگاه تربیت مدرس در رشته کارشناسی ارشد کارگردانی تحصیلات تکمیلی

این را معیار درستی برای تقدیر نمی‌دانم در واقع می‌خواهم بگویم من فقط به اجرای «خورشید کاروان» بسنده نکردم و همواره به عنوان تکلیف تئاتری را برای ادای دین به صحنه برده‌ام.

● **چقدر حرفه مدیریتی شما به اجرای تئاترتان کمک کرد یا برعکس، اجرای تئاتر بر حرفه مدیریت‌تان تاثیر گذاشت؟**

از وقتی که به مدیریت تئاتر وارد شدم، در جریان آن قرار گرفتم، شرایط تئاتر کار کردن برایم سخت شد. زیرا باید در حیطه خارج از امکانات و حمایت مرکز هنرهای نمایشی کار تئاتر را دنبال می‌کردم. نگاه مدیریتی من همواره این بود که باید به عنوان مدیر به سایر گروه‌های خدماتی ارائه دهم و خودم حق استفاده از امکانات و شرایط مرکز هنرهای نمایشی را ندارم اما از طرف دیگر عشق من تئاتر بود و این نمی‌گذاشت که از صحنه دور شوم. بنابراین سعی کردم با جذب امکانات و موقعیت دیگر ارگان‌ها، به حرفه تئاتر نیز بپردازم زیرا چیزی جز تئاتر کار کردن نمی‌توانست مرا راضی کند بنابراین بدون استفاده از امکانات مرکز هنرهای نمایشی حتی سالن تمرینش، با جذب حمایت مراکزی مانند موسسه هنری، فرهنگی فدک در کنار مدیریتم به کار تئاتر کردن بازگشتم.

● **چطور شد از مدیریت و مسوولیت در تئاتر به ویژه مرکز هنرهای نمایشی ناگهان کناره‌گیری کردید؟**

در زمانی که فکر کردم جریان تئاتر به گونه‌ای است که دیگر خود پیش می‌رود و نیازی به حضور من در این عرصه نیست کناره گرفتم. در واقع وقتی دیدم بود و نبود من در جریان مدیریتی بی‌تاثیر است و این جریان کار خود را پیش می‌برد از آن دور شدم. هرچند که وقتی باز هم به عنوان هنرمند وارد تولید تئاتر شدم، سابقه مدیریتم بر شرایط و موقعیت اجراهایم تاثیر گذاشت، استقبال تماشاگران از نمایش «در قاب ماه» غافلگیرانه بود.

برای خود ما غافلگیرانه بود. این نمایش در شرایط نامساعد جوی، زمانی که برف شدید باریده بود و ما با تعطیلات و قطع گاز مواجه بودیم تمرین شد و با همت گروه که برای من هم غیرقابل باور بوده این نمایش در سرمای سخت زمانی که گاز تالار وحدت قطع بود تمرین شد و به صحنه رفت و علی‌رغم هوای سرد و زمستانی با استقبال تماشاگران مواجه شد.

● **در سال‌های فعالیتتان آیا آرزوهای تئاتری شما به تحقق رسیده یا هنوز هم آرزوهای زیادی در صحنه تئاتر دارید که تحقق پیدا نکرده است؟**

قطعاً آرزوهایم هنوز برآورده نشده، اینها تجربیاتم است که تاکنون انجام داده‌ام اما هنوز به آنچه که می‌خواستم و ایده‌آلم بوده نرسیده‌ام. در تمام این سال‌ها تجربیات مختلفی داشتم اما هنوز چیزهای زیادی در نظر دارم که اگر فرصت داشتم و عمرم کفاف دهد، مایلم آن را انجام دهم. ضمن آنکه هرکدام از این تجربیات برایم دستاوردهایی داشته اما هنوز به نگاه تئاتری خود نرسیده‌ام.

● **این آرزوها به اجرای تئاتر درباره شخص یا موضوع خاصی برمی‌گردد؟**

نه شخص خاصی، البته سال‌هاست که آرزو دارم در مورد حضرت زینب (س) کار ویژه‌ای انجام دهم و هم در نمایش «غزل کفر» و هم «در قاب ماه» سعی کرده‌ام. این حضرت را به گونه‌ای نشان دهم. واقعیت این است که من دنبال تئاتری هستم که ضمن حفظ تمام شاخص‌های هنری و ارضای حس زیباشناسی روز جامعه، ریشه در فرهنگ و تمدن ایران داشته باشد و زمانی که نمایش به صحنه می‌رود بتواند مدت‌های طولانی بر صحنه بماند تا تماشاگران از آن بهره بگیرند. در واقع آرزوی دیگرم این است که من و دیگر دوستان کارگردان بتوانیم در مدت طولانی نمایش‌های خود را در صحنه اجرا کنیم. تئاترهایی که هرچه از اجرایشان بگذرد تازه‌تر و بهتر شوند و دیگر کهنه نشوند من فکر می‌کنم اگر شرایط و امکانات باشد هنرمندان ما ظرفیت اجرای این نوع نمایش‌ها را دارند.

● **از کارگردانان کنونی، آثار کدام یک را بیشتر می‌پسندید؟**

به نظر من اکثر کارگردان‌های ما صرف‌نظر از نقاط قوت و ضعف خود کارشان راضی‌کننده است ما کارگردانان بزرگی در ایران داریم. به عنوان نمونه آثار آقای رحمانیان مانند عشق و پل را دوست داشتم. در شیوه اجرایی از آثار آقای بیضایی بسیار لذت می‌برم و درس می‌گیریم و در عرصه کارگردانان جوان‌تر، آثار آقای کیومرث مرادی قابل توجه است. چند کار بسیار خوب تاکنون ارائه کرده است. البته افراد دیگری هم هستند که اکنون اسم آنها را به خاطر نمی‌آورم. معتقدم اکثر کارگردانان ما هوشمند هستند و با کمی دقت در بحث مخاطب‌پذیری می‌توانند آثار

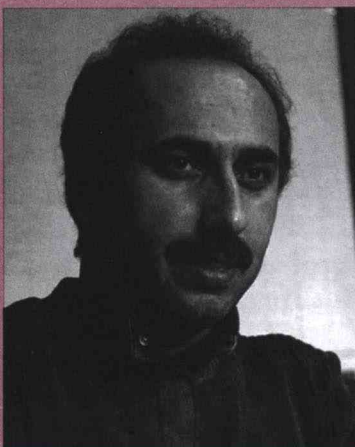
فوق‌العاده‌ای ارائه کنند.

● **وضعیت کنونی تئاتر را چگونه می‌بینید؟**

به نظر من تئاتر نیازمند جریان مستمر است و باید این جریان حفظ شود در حال حاضر شرایط به نسبت مطلوب فقط در تهران تئاتر وجود دارد، اما تئاتر ایران فقط به تهران ختم نمی‌شود. بسیاری از استعدادهای تئاتر ما در شهرستان‌ها است که در طول جشنواره‌ها آثار ارزشمندی ارائه کرده‌اند اما متأسفانه به دلیل نبود همین جریان مستمر تئاتر و عدم لزوم اجرا برای مخاطب، تئاتر شهرستان‌ها فقط به جشنواره ختم شده است. در حالی که ما می‌توانیم با کمترین امکانات و توقع جریان مستمر تئاتر را در شهرستان‌ها داشته باشیم این فقط مدیریت می‌خواهد ما کارگردانان خوبی در شهرستان داریم که به دلیل نبود جریان مستمر بعد از مدتی فراموش می‌شوند.

● **به عنوان کسی که دو سال پیش دبیر جشنواره بودید، ارزیابی‌تان از جشنواره بیست و ششم تئاتر فجر چگونه است؟**

من از بسیاری جهات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جشنواره امسال را بسیار ارزشمند می‌دانم. به ویژه در مورد گسترش برگزارکردن این جشنواره که کار بزرگی بود. اما معتقدم بهتر است برای سال‌های آینده شرایطی فراهم کنیم که مانند جشنواره‌هایی چون مثلاً «ادین بورگ» که یک ماه شهر اختصاص به تئاتر دارد و نمایش‌های مختلفی از سراسر دنیا در این یک ماه به صحنه می‌رود، جشنواره تئاتر فجر ما نیز یک ماه در جشن انقلاب به صورت گسترده برگزار شود و من فکر می‌کنم جشنواره ۲۶ می‌تواند زمینه‌ساز این ایده‌آل برای سال‌های آینده باشد.



گلاب آدینه چهره ماندگار تئاتر

تئاتر ایران است.

● بابک محمدی:

او همیشه با انگیزه است

گلاب آدینه یکی از بهترین بازیگرانی است که تا به امروز با او کار کرده‌ام. تفاوت آدینه با دیگران بازیگران این است که او از بازی کردن لذت می‌برد و عشق به بازیگری را در هر شرایطی حفظ می‌کند. متأسفانه این سال‌ها کمتر او را جلو دوربین یا روی صحنه می‌بینیم و کمبودش کاملاً حس می‌شود. شنیده‌ام پشت دوربین بازی‌گردانی می‌کند. برای بازیگری مثل او واقعاً حیف است. چون باید جایی باشد که دیده شود.

بازیگری نظیر او در میان بازیگران زن ما کمتر وجود دارد. مدیران هنری ما موفق شدند، انگیزه بازیگری را از بسیاری از بازیگران ما بگیرند اما گلاب آدینه یکی از معدود بازیگرانی است که این انگیزه را حفظ کرده است. «مادام پی پی»، اولین نمایش من در ایران با حضور گلاب آدینه اجرا شد و جالب است که اولین نمایشنامه خوانی که توسط من در ایران صورت گرفت با او بود. حضور او در این آثار خاطرات خوبی را برایم رقم زد و اطمینان من را به بازیگران ایرانی جلب کرد.

● سیامک صفری (فوتبفر):

به یاد بازی با گلاب در نمایش

در مصر برف نمی‌بارد

اینها پرند زلیخا جان...

با گلاب وقتی هم بازی شدم که عاشق بود. اتفاقاً منم عاشق بودم. جالب اینکه همه، هرکس که روی اون صحنه بازی می‌کرد عاشق بود. کارگردان ما هم - یعنی علی رفیعی - که البته عاشق‌تر از همه.

گلاب عاشق، تو اون نمایش عاشقانه، خلسه‌ای داشت که رو صورتش خطی رو که می‌برد می‌شد دید.

چشم‌اشو می‌بست و تو پیچ و تاب می‌داد که به خودش می‌داد دیوانگی و جنون به عاشق داشت.

بیرون صحنه‌ام که مثل همه برویچه‌های تئاتر مهربون و با معرفت... و البته بایه خصوصیت که ویژه گلابه، اونم مادر بودنش. همیشه منتظرم با بازیگرایی که دوستشون دارم، دوباره روضه بدم.

گلاب نازنین پاینده باشی و پاپرجا

«دست‌ها» به کارگردانی ناصر هاشمی، بازی در فیلم سینمایی «بهترین بابای دنیا» به کارگردانی داریوش فرهنگ، بازی در فیلم سینمایی «روسی آبی» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد، بازی و بازیگردانی در فیلم سینمایی «معجزه خنده» به کارگردانی یدالله صمدی، بازی در فیلم سینمایی «فصل پنجم» به کارگردانی «رفیع پیتز»، بازی در فیلم سینمایی «بانوی اردیبهشت» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد، کارگردانی نمایش «سلطان مار» نوشته بهرام بیضایی؛ کارگردانی نمایش «شبی در طهران» نوشته محمد جرم‌شیر، بازی در نمایش «مادام پی پی» نوشته و کارگردانی بابک محمدی، بازی در فیلم سینمایی «بال‌های سپید» به کارگردانی مهدی هاشمی و ناصر هاشمی، بازی در مجموعه تلویزیونی «کوه‌های سفید» به کارگردانی ابوالقاسم معارفی و مهدی هاشمی، بازی در فیلم سینمایی «آغوش‌های خالی» به کارگردانی وحید نیکخواه آزاد، بازی در فیلم سینمایی «زیر پوست شهر» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد، بازی در نمایش «داستان‌های وینی» نوشته و کارگردانی بابک محمدی، بازی و بازیگردانی در فیلم سینمایی «زندان زنان» به کارگردانی منیژه حکمت، بازی در نمایش «پوف!!!» به کارگردانی هوشنگ حسامی، بازی در نمایش «مده‌آ» به کارگردانی محسن حسینی، انتخاب بازیگر و بازیگردانی در فیلم سینمایی «دوشیزه» به کارگردانی محمد درمنش، بازیگردانی و انتخاب بازیگر چندین فیلم سینمایی را هم می‌توان از عمده فعالیت‌های گلاب آدینه در کنار امر بازیگری به حساب آورد در حالیکه این روزها کارگردانی مجموعه‌های تلویزیونی را هم تجربه می‌کند.

گلاب آدینه علاوه بر جوایز سینمایی که در جشنواره‌های مختلف کسب کرده در تئاتر هم جوایز زیادی را در جشنواره‌های نمایشی به دست آورده است. آثار او چه در زمینه بازیگری و چه در عرصه کارگردانی همیشه مورد توجه صاحب‌نظران و هنرمندان تئاتر بوده است. گلاب آدینه بدون اغراق یکی از هنرمندان ماندگار عرصه هنرهای نمایشی است با اینکه در سالیان گذشته کمتر فرصت حضور در تئاتر را پیدا کرده اما نقش‌آفرینی‌های او در نمایش‌هایی نظیر در مصر برف نمی‌بارد، پوف، مادام پی پی و... فراموش نشدنی است. تجلیل در بیست و ششمین جشنواره تئاتر فجر به راستی برانداخته بانوی

گلاب آدینه را کمتر کسی است که نشناسد. او بازیگر توانا و پیشکسوت تئاتر و سینماست. هرچند این روزها تجربه‌های کارگردانی را هم باید به رزومه کاری او اضافه کرد.

او سال ۱۳۳۲ در تهران و در خانواده‌ای فرهنگی به دنیا آمد. پدرش حسینقلی مستعان یکی از مترجمان و نویسندگان هم عصر ما بود. آدینه سال ۱۳۵۵ مدرک لیسانس خود را در رشته اقتصاد سیاسی از دانشگاه ملی گرفت و برخلاف میل خانواده با حضور در گروه‌های تئاتر دانشجویی اولین قدم‌های خود را در عرصه هنر نمایش برداشت. حضور مهدی هاشمی به عنوان همسر، همکار و استاد نقش عمده‌ای در موفقیت‌های گلاب آدینه در تئاتر و سینما داشت.

اولین نمایشی که او به عنوان بازیگر در آن حضور پیدا کرد، «آدم‌های ماشینی» به کارگردانی مهدی هاشمی بود که سال ۱۳۵۵ در تالار ابوریحان بیرونی دانشگاه ملی روی صحنه رفت. پس از آن تا سال ۱۳۶۶ نمایش «گل دوستی» را برای اجرا در مدارس تهران کارگردانی کرد، در نمایش‌ها و فیلم‌هایی چون: «داستانی نه تازه» نوشته مهدی هاشمی به کارگردانی داریوش فرهنگ، «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و مرگ امیرکبیر» نوشته و کارگردانی علی رفیعی، «همشهری» نوشته و کارگردانی مهدی هاشمی، «دیوار چین» نوشته «ماکس فریش»، «دایره گچی قفقازی» نوشته «برتولت برشت» و فیلم سینمایی «رسول پسر ابوالقاسم» به کارگردانی داریوش فرهنگ، فیلم سینمایی «چوپانان کویری» به کارگردانی حسین محبوب، مجموعه تلویزیونی «افسانه سلطان و شبان» به کارگردانی داریوش فرهنگ حضور یافت. «گل دوستی» نمایشی بود که باعث شد آدینه پس از آن چندین نمایش را برای گروه سنی کودک و نوجوان نوشته و کارگردانی کند و در مدرسه هنر و ادبیات کودک و نوجوان روی صحنه ببرد.

تدریس بازیگری و کارگردانی از جمله فعالیت‌های او در این مدرسه و دیگر مراکز فرهنگی و آموزشی شد. او در در ادامه فعالیت‌های خود تا امروز در نمایش‌ها و فیلم‌های زیادی حاضر شده از جمله بازی در فیلم سینمایی «زرد قناری» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد، و فیلم سینمایی «شکار خاموش» به کارگردانی کیومرث پوراحمد.

دستیار و برنامه‌ریز در فیلم سینمایی نیمه بلند



● ستاره اسکندری

آنچه از استادام آموختم
 سال‌های دور دبستان گلاب آدینه را با سلطان بانو
 شناختم. با کیوتر «روسی آبی» بزرگ شدم. برای
 زنانگی‌اش پابه‌پا گریستم. برای مادری که در «زیر
 پوست شهر» بود، به احترام برخاستم.
 گلاب آدینه استاد و مشوق بسیاری از دوستانم بود که
 همواره از زبان آنان ستایش او را شنیده بودم و خود در
 حسرت نداشتن آشنایی نزدیک با او. تا «در مصر برف
 نمی‌بارد»، اتفاق افتاد. سلطان بانوی کیوتر، زلیخا شد،
 تا من در کنارش فرصت به آغوش کشیدن این اتفاق
 را داشته باشم. کاری به عظمت مصر، به زیبایی قصه
 یوسف در صحنه استادانه استادام «دکتر علی رفیعی»...
 تمرکز را از گلاب آموختم و تشویق را... تبادل از او
 آموختم و جدیت را... و جمله‌ای که هرگز فراموش
 نخواهم کرد: «برای این حرفه اگر پوست کرگدن نداری،
 پا توش نذار».
 «گلاب آدینه» پاس داشتت را پاس می‌دارم و سپاس از
 برگزارکنندگان برای مراسم سپاس. سایه‌ات جاودانه بر
 عالم بازیگری تئاتر و سینما.



در مصر باران نمی‌بارد



ارزیابی جشنواره بیست و ششم از نگاه هنرمندان و منتقدان

اول نظم، دوم تنوع

نظم در جشنواره بیست و ششم

محمد یعقوبی: متأسفانه به سبب درگیر بودن برای اجرای نمایش خود چند تا کار بیشتر نتوانستم ببینم. اما طبق شنیده‌ها امسال نمایش‌های خوبی در جشنواره حاضر بوده‌اند. گویا نوک زبان سونیسی خوب نبود. اما کارهای لهستان و آلمان بهتر بوده‌اند.

در این جشنواره اتفاقی که افتاده اضافه شدن بخش‌های مختلف به جشنواره است. گستردگی جشنواره بسیار نکته مثبتی است. ویژگی خاص این جشنواره منظم‌تر شدن برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی بهتر دبیرخانه با گروه‌هاست. در واقع در این بخش خوب عمل شده اما متأسفانه جشنواره امسال از لحاظ نظارت و ارزشیابی کمی محافظه کارتر شده است.

شخصاً موافق رسیدن نمایش‌ها از اجرای عمومی به جشنواره نیستم چرا که در آن زمان از میان بهترین‌های تئاتر در طول سال، بهترین‌ها را در جشنواره خواهیم داشت. در بخش چشم‌انداز می‌توانیم فراخوان را برای کسانی منتشر کنیم که کمتر امکان اجرای عمومی دارند، جوان‌های تئاتری که نمی‌توانند به راحتی امکان اجرای عمومی بگیرند. حرفه‌ای‌ها به هر حال می‌توانند نمایش خود را اجرای عمومی کنند. نباید فراموش کرد که هر جشنواره نیاز به تازه‌نفس‌ها دارد، این جوانان می‌توانند به این ترتیب روح تازگی و نشاط را به جشنواره تزریق کنند. این بخش سبب کشف استعدادهای جوان خواهد شد. بخش تولید نمایش، بخش قابل احترامی است و باید سپاسگزار کسی بود که این بخش را ایجاد کرده است. قبلاً همراه نمایشنامه از روی اجرا داوری می‌شد اما این بخش این امکان را داد که نمایشنامه براساس آنچه که هست داوری شود.

فجر، معرف تئاتر ایران است

صمد چینی‌فروشان: امسال جشنواره تئاتر فجر تنوع قابل قبولی دارد، بخش تئاتر شرق و ملل قابل توجه است و چنانچه ادامه یابد می‌تواند تأثیرات مثبتی داشته باشد. در خصوص دیگر نمایش‌های جشنواره در بخش بین‌الملل به‌حضور کلاوس پیمن با نمایش «ننه دلاور» می‌توان اشاره کرد که بسیار ارزنده بود. اجرای «سلح شدن» کار ارمنستان نیز بسیار خوب بود و نمایش «راشومون» هم اتفاقی قابل توجه در جشنواره بیست و ششم بود. در مجموع نمایش‌های خارجی جشنواره نسبت به سال‌های گذشته در سطح قابل قبولی قرار داشتند.

نمایش‌های ایرانی جشنواره فجر معرف تئاتر ایران بود. البته نمایانگر تمام موجودی تئاتری ما نبود. بلکه با وجود حضور کارهای قابل توجه کمتر از ۵۰ درصد از دارایی‌های تئاتر ما را نمایان می‌کرد.

به اعتقاد من جشنواره امسال در بخش‌های حرفه‌ای نسبت به سال‌های گذشته کمتر مخاطب عام داشت و بیشتر اهل فن میهمان این جشنواره بودند. در کل چنانچه برخی ضعف‌های تکنیکی در اجراها که ناشی از ضعف گروه‌هایی اجرایی یا کمبود امکانات بود را نادیده بگیریم جشنواره بیست و ششم را در سطح خوبی ارزیابی می‌کنم.

از ۳ هفته قبل از آغاز جشنواره مکان و زمان اجرای ما می‌دانستیم

حمید پورآذری: نکته مثبت جشنواره بیست و ششم برنامه‌ریزی‌های خوب بود. در واقع کاملاً مشخص بود که پشت برنامه‌ها، اندیشه و برنامه‌ریزی هست. شاید در برخی مواقع از این برنامه عقب مانده باشیم اما همین که برنامه‌ای ریخته شود و بخواهیم و ملزم شویم که آن را عملی کنیم بسیار خوب است. حال آنکه چند درصد عملی شود، در درجه بعدی اهمیت قرار دارد. خود نیت مهم است که سبب رشد و حرکت در تئاتر ما می‌شود. به طور مثال من ۳ هفته قبل از جشنواره می‌دانستم که در کدام سالن و کی اجرا دارم. این برنامه ریزی و گستردگی بسیار خوب است، اگر قرار باشد در سطح جشنواره باقی بماند و در طول سال هیچ اتفاقی نیفتد باز هم «تئاتر برای همه» در حد شعار باقی مانده است. زمانی که این برنامه‌ریزی در طول سال برای تئاتر وجود داشته باشد آن زمان است که این شعار واقعاً تحقق یافته است. اما نکته نه چندان مثبت این جشنواره آن بود که به عنوان یک کارگردان حاضر در جشنواره تنها نتوانستم ۲ نمایش را ببینم. هرچند این به سبب مشغله من جهت آماده‌سازی نمایش بود. ولی نداشتن بلیت نمایش‌های خارجی علت اصلی این امر بود. نباید فراموش کنیم که تئاتر معجزه قرن بیستم است. اتفاق بزرگی است و می‌تواند تأثیر بسزایی در جامعه داشته باشد.

بالاخره یک خسته نباشید رسید

محمدحسین ناصر بخت: در مجموع با هر مناسبت تئاتری موافق هستم و می‌دانم که چه زحمتی در به ثمر رسیدن جشنواره‌ای با این حجم کشیده شده است.

به همین جهت بهتر است یک خسته نباشد به تمام دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره بگویم. هرچه از طول عمر یک جشنواره می‌گذرد انتظارات از آن بیشتر می‌شود و هرچه جشنواره در سطح بالاتری برگزار شود باز هم انتقادات نسبت به آن وجود دارد. اهالی تئاتر همواره خواهان سطح بالاتری از آنچه قرار دارند بوده‌اند و علاقه‌مند به بالا رفتن سطح کیفی نمایش‌ها هستند.

جشنواره تئاتر فجر در دوره بیست و ششم خود در حجم گسترده‌ای برگزار شده است مسلماً محدودیت شرایط و امکانات اجازه نداده است که مسوولان برگزاری جشنواره به طور کامل به آرمان‌های خود برسند. اما از این نظر که تمام عوامل برگزاری جشنواره نهایت تلاش خود را انجام داده‌اند مشکلی نیست. تبلیغات گسترده در تمام نقاط شهر یکی از نقاط مثبت جشنواره بود. نگاه ویژه‌ای که جشنواره به تئاتر شرق داشت اتفاقی نو در جشنواره فجر محسوب می‌شد.

نباید فراموش کرد بخشی از بار کیفی جشنواره برعهده هنرمندان است تا با ارائه کارهای خوب، تأثیر مثبت در روند برگزاری جشنواره داشته باشند. مسوولان هم باید فضای کافی در اختیار هنرمندان بگذارند و امیدواریم در جشنواره فجر در دوره‌های بعد در بخش تولیدات جدید نمایش‌های متنوع‌تری را شاهد باشیم. بیشتر نمایش‌های این بخش در این دوره به سمت فرم و ریتم رفته و کمتر به محتوا توجه کرده بودند.

به هر حال نباید فراموش کرد که تئاتر برای مردم عرضه می‌شود و مخاطب تئاتر را برگزیده است. پس نباید او را فراری دهیم. باید سعی کنیم سلیقه او را آرام آرام ارتقا دهیم.

جشنواره بیست و ششم متنوع بود

حسن وارسته: جشنواره امسال به لحاظ کمی بسیار چشمگیر بود و نسبت به سال‌های گذشته تنوع بسیاری داشت بخش‌های متنوعی که در جشنواره ایجاد شده در جریان تئاتر ایران بسیار تأثیرگذار بود. به خصوص بخش دانش آموزی جشنواره که زمینه‌ساز بسیار خوبی برای تربیت تماشاگران تئاتر بود.

متأسفانه یکی دو روز اول استقبال کمتری از نمایش‌ها شد. به اعتقاد من تبلیغات جشنواره باید کمی زودتر آغاز می‌شد تا از همان روزهای اول جشنواره شاهد استقبال زیاد مردم بودیم. نه آنکه خود جشنواره تبلیغی

برای جشنواره باشد هرچند با آغاز جشنواره بخش تبلیغی جشنواره قوی‌تر شد.

از لحاظ کارشناسی آثار، انتظار تمام اهالی تئاتر این است که کیفیت کارها سال به سال بهتر شوند. نمایش‌های خارجی در جشنواره امسال انتظارات را برآورده می‌کرد. از میان کارهای ایرانی تولیدات جدید نمایش‌های خوبی بودند و تا آنجا که در جریان جشنواره بودم، نیروهای جوان خوبی در جشنواره حاضر بودند. این استعدادها نیاز به حمایت دارند حمایتی که به جشنواره ختم نمی‌شود و این گستردگی و برنامه‌ریزی نباید به جشنواره ختم شود.

جرای تئاتر در محله‌ها خوب است

حسین محب اهری: متأسفانه من نتوانستم نمایش‌های خوبی ببینم و نمایش‌هایی که دیدم چندان قوی نبود. تنها نمایش «نوک زبان» از کشور سوئیس بود که کمی دیدنی بودند. اینکه سالی یک بار به این شکل تمام تهران درگیر تئاتر می‌شود و گستردگی تئاتر فجر برای مخاطبان بسیار خوب است. تهران شهر بزرگی است و برای خیلی از اهالی این شهر آمدن به تئاتر شهر یک سفر محسوب می‌شود. اجرای تئاتر در محله‌ها حرکت مثبتی است و بین اهالی محله و تئاتر ارتباط برقرار می‌کند. ای کاش این حرکت به جشنواره محدود نمی‌شود و شعار تئاتر برای همه در طول سال عملی می‌شد. اگر این حرکت ادامه یابد در ۱۰ سال آینده تئاتر در سید خانواده‌ها قرار می‌گیرد.

متأسفانه جشنواره تئاتر فجر امسال مشکلی داشت و آن در اختیار قرار ندادن بلیت و کارت مناسب بسیار یاز هنرمندان بود. بسیار ناراحت‌کننده است که به عنوان بازیگر تئاتر این مملکت نتوانم به تماشای نمایش‌هایی که دوست دارم بنشینم.

در یک کلام، همه چیز خوب بود

محمد ابراهیمیان: در یک کلام جشنواره امسال خیلی خوب بود. با توجه به برنامه‌ریزی برای جشنواره مشخص بود دبیرخانه جشنواره امسال فرصت داشت که برنامه‌ریزی کند و با توجه به آرمان‌هایی که دکتر مجید سرسنگی برای تئاتر دارد، دبیرخانه جشنواره ۲۶ یک سال گذشته را از تمام نیروی بالفعل خودش نهایت استفاده را کرده تا بتواند زوایای جدیدی به جشنواره تئاتر فجر اضافه کند. بخش‌هایی که از منظر تئاتر ایران تاکنون پنهان بوده است.

این جشنواره به یک فستیوال تئاتری بین‌المللی نزدیک شد. با توجه به برنامه‌ریزی‌هایی که شد و جدولی که دیدم و تاکید بر شعار «تئاتر برای همه» و کامل‌تر از آن «همه برای تئاتر» این امیدواری هست که این سکوی پرشی برای تئاتر ایران باشد. امیدواریم در سال‌های آینده این سکو مهیاتر و آماده‌تر باشد.

گرچه ممکن است بسیاری از این زوایا از جمله نمایشنامه‌خوانی و نمایش‌های شهرستان‌ها در تجربه نخست زیر نفوذ سیطره سایر بخش‌ها قرار گرفته باشد

و تبلیغات بسیار اندک در سطح شهر نخستین جشنواره را در این مناظر و زوایا به موفقیت موردنظر نرسانده باشد. اما تجربه نخستین جشنواره، حتماً چراغی برای آینده روشن‌تر خواهد بود.

بنابراین جشنواره می‌باید قوام و دوام یابد تصور من این است که سیاست و برنامه‌ریزی دبیر جشنواره به عنوان آنکه با تئاتر ایران در حد یک معاونت برخورد شود نه یک اداره کل بسیار مناسب بود.

چشم‌انداز بسیار روشنی پیش پای ماست اما نه با بودجه کمی که هم‌اکنون در اختیار جشنواره است بلکه با ۱۰ برابر این بودجه می‌توان به تئاتر که هویت فرهنگ یک ملت است و وزارت همه هنرها در آن نهفته است حرکتی داد.

حضور گروه‌های خارجی مثبت بود

محمد حاتمی: شنیده‌ام کارهای ایرانی بد نبوده‌اند. متأسفانه نتوانستم همه کارهای ایرانی را ببینم. چون کارت ورود به سالن‌ها را نداشتم. اما در خصوص کارهایی خارجی، حضور گروه آلمان و کلاوس پیمن در ایران بسیار عالی بود. این نمایش یک کار درجه یک بود. نمایشی که در تئاتر روز دنیا در بالاترین سطح خود قرار داد. در کل نمایش‌های خارجی بسیار خوب است. کمبود امکانات ربطی به ستاد جشنواره ندارد و مشکل کلیت تئاتر ایران است. مگر پلاتوی تمرین در اداره تئاتر چقدر است که زمان تمرین به همه گروه‌ها برسد. در مقام مقایسه با نمایش‌های خارجی ای کاش ما هم مکان و زمان تمرین مناسب داشتیم.

متأسفانه تئاتر ایران تکنیک چندانی ندارد. ما زیاد زحمت میکشیم اما به اندازه توان خرج کردن نداریم. صحنه تنها بازیگر نیست صحنه‌های بصری، نور، افکت و ... خیلی چیزهای دیگر نیاز یک نمایش است. تئاتر اروپا دانش بالا و امکانات خوب دارد در نتیجه نمایش خوب تولید می‌کند. ساپورت گروه‌ها در جشنواره امسال بسیار مناسب بود و باید همچنان ادامه یابد و دبیر بعدی در جشنواره بعدی گامی به جلو نهد و زحمات این جشنواره را بی‌ثمر نکند.

طرح اولیه جشنواره بسیار خوب بود

کتایون حسین‌زاده: طرح اولیه جشنواره بسیار خوب بود و بسیار به شعار تئاتر برای همه نزدیک شده بود و در هر حوزه‌ای فراگیر بود. قابل تحسین است که برای هر قشر از جامعه و برای هر اندیشه و فرهنگ یک نوع تئاتر وجود داشته باشد. اما نمی‌توانم بگویم تا چه اندازه این حرکت موثر بوده است چرا که در جریان کلی جشنواره نبوده‌ام و بیشتر درگیر اجرای خودم بودم.

به هر حال جشنواره قدم بزرگی برداشته اگر این حرکت همیشگی باشد می‌تواند کمک کند اما اتفاقی در طول ۱۰ روز نمی‌تواند خواسته تئاتر ایران را برآورده کند. اگر در طول سال فرهنگسراها فعال باشند آنگاه جشنواره نتیجه‌بخش خواهد بود. به اعتقاد من جشنواره

فجر امسال آغازی برای تئاتر ایران بوده است. آغازی که نباید رها شد.

روند جشنواره باید ادامه یابد

طلا معتمدی: اتفاق خوبی بود که اگر در روند جشنواره ختم نشود و پس از آن ادامه داشته باشد مسلماً برای تئاتر ایران مثبت خواهد بود باید این ساختار گسترده در تئاتر ایران اتفاق بیفتد.

متأسفانه درگیر کار در جشنواره فجر بودم و نتوانستم کارهای زیاد ببینم. در این جشنواره بخش تولید متون در روند نمایشنامه‌نویسی ایران مفید خواهد بود و بسیار خوب است که نمایشنامه مستقلاً مورد قضاوت قرار گرفته است. این برای کشف استعدادهای جوان دانشگاهی و شهرستان‌ها مفید خواهد بود و می‌توانند به این وسیله کار عرضه کنند و این بخش برای نمایشنامه‌نویسی ایران و نسل جوان نویسنده که خود من هم جز آنها هستم مفید خواهد بود. تنها مسأله‌ای که من با این جشنواره دارم بحث رقابت تولیدات ایرانی است نمی‌دانم بگویم این اتفاق خوشحال‌کننده است یا نه اما مطمئناً در مقایسه با کارهای خارجی انتخاب بسیار کم است.

برای نخستین بار به موقع هزینه‌ها رسید

آروند دشت آرای: تصور می‌کنم مجید سرسنگی به عنوان دبیر جشنواره یک حرکت اصولی بسیار درست را برای تئاتر ایران آغاز کرده و بسیاری از قواعد و بازی‌های موجود در تئاتر ایران را کاملاً به هم ریخته است تا پیکره سنت تئاتر ایران این به هم ریختگی را هضم کند یکسری اتفاقات به زمان احتیاج دارد. برخورد بسیار محترمانه‌ای با هنرمندان در این جشنواره وجود داشت از اینکه در جشنواره کار داشتم لذت می‌بردم چیزی که در داخل پیکره مدیریت تئاتر کمتر به آن بها داده می‌شود.

در جشنواره امسال به کیفیت آثار توجه شد و اینکه کدام کار خلاق و نزدیک به تئاتر جهان باشد. این برای جشنواره مهم بود. حدی در تئاتر جهان وجود دارد که برخی آثار به آنان نزدیک و برخی دیگر دور هستند در جشنواره امسال سعی شده بود که به سطح جهان نزدیک باشد.

نکته مهم دیگر جشنواره بیست و ششم آن بود که برای نخستین بار قبل از اجرای نمایش تمام هزینه قرار دادم را گرفتم و در زمان جشنواره مدیریت زمان داشتم.

در حرکت اصولی که انجام می‌شود باید تلاش شود که مسیر تکامل به درستی طی شود و مشکلات سبب کوتاه آمدن دبیر جشنواره از برنامه‌اش نشود ممکن است در سال اول سالن منطقه ۲۲ تنها ۱۰ تماشاگر داشته باشد اما سال سوم مطمئناً این سالن شناسایی می‌شود و پر خواهد بود. به اعتقاد من پس از سال‌ها حرکت اصولی برای فجر اتفاق افتاده است.

اهالی تئاتر از مسابقه بین الملل و رقابت نمایش های ایرانی با خارجی می گویند:

نتیجه مهم نیست

امسال نه تنها مسابقه به جشنواره بازگشت، بلکه قرار بر این شد تا نمایش های ایرانی در کنار نمایش های خارجی در بخش مسابقه قیاس شوند. این شد که ۱۷ نمایش (۷ خارجی، ۳ نمایش مشترک و ۷ نمایش ایرانی) به رقابت پرداختند. هرچند شاید در نگاه اول امکانات تئاتر ایران در مقایسه با آثار خارجی قابل قیاس نباشد و از سوی دیگر در این دوره از جشنواره آثار برگزیده جهانی همچون «ننه دلاور» کلاس پیمن حضور داشتند اما اکثریت هنرمندان حاضر در بخش مسابقه از این نوع مسابقه استقبال کردند و چه بسا بسیاری منتظر اعلام نتایج نشستند. در ادامه نظر تنی چند از هنرمندان و منتقدان تئاتر را که یا خود جزو مسابقه دهندگان هستند و یا در جریان کامل جشنواره امسال بودند، جویا شدیم:

کم نمی آوریم

سیامک صفری: تئاتر ایران حرف های زیادی برای گفتن دارد و حتی در مضمون غنی ترین تئاتر دنیاست و در فرم و شکل هم می تواند جایگاهی پیدا کند. اما اساساً مسابقه بخشی از جشنواره امسال بوده و مهم آن است که فضایی در جشنواره ایجاد شده که نمایش های تولید شده توسط هنرمندان تئاتر ایران با نمایش هایی که خارج از کشور تولید شود در یک عرصه در کشور ما اجرا شود. در این میان اطلاعاتی ردوبدل می شود، حال اسمش هرچه می خواهد باشد، اهمیت ندارد چرا که من اهل سبقت گرفتن نیستم.

اجرای خوب مهم است

مسعود میرطاهری: هیچ فرقی میان تئاتر ایران و اروپا نیست. شاید از لحاظ امکانات آنها خیلی قوی باشند و شرایطشان مساعدتر از ما باشد اما از لحاظ اجرایی ما اگر بالاتر باشیم پایین تر نیستیم و اگر کسی این را بگوید یقیناً این توهم را دارد که همیشه باید کار

خارجی بهتر باشد.

در جشنواره های سینمایی از همه جا کار می آید و مهم دیده شدن کار است نه آنکه آن از کجا آمده است. مطمئناً یک کار خوب فاکتورهای خودش را دارد و مهم نیست کجایی باشد و خیلی خوب است که آثار در کنار هم مسابقه بدهند. منظور اجرای خوب است. شکی نیست که آنها در حیطه تئاتر جلوتر از ما هستند اما قطعیتی وجود ندارد. امیدوارم کارهای خوب خارجی به ایران بیایند تا ما از آنها یاد بگیریم.

کمی منصفانه نگاه کنیم

نیما دهقان: به اینکه مسابقه درست است یا نه کاری ندارم. بهتر است کمی منصفانه نگاه کنیم. تئاتر ایران هیچ کم و کسری از تئاترهای دیگر ندارد. نگاهی به آمار نمایش های ایرانی که هر سال انتخاب و در خارج از کشور اجرا می شوند و مورد استقبال قرار می گیرند نشان دهنده کارهای ایرانی و شاخصه هایی است که برای انتخاب شدن دارند. اگر مغرضانه نگاه کنیم باز هم به نفع تئاتر ایران است چرا در مسابقه تئاتر ما سعی می کنیم سطح مان را تا جایی بالاتر ببریم که به آنها نزدیک شویم؟ طبیعی است که تئاتر متعلق به آنهاست آنها بیش از ۷۰۰ سال است که تئاتر دارند در حالیکه عمر تئاتر در ایران به یک قرن هم نمی رسد. اما اتفاق خوبی است که رخ داده و امیدوارم ادامه داشته باشد.

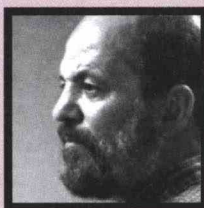
همپای کارهای خارجی در حال حرکت هستیم

شیرین بینا: مسابقه بین الملل و رقابت کارهای ایرانی و خارجی قطعاً مفید است چرا که ما با سطح کارهای معمول دنیا با نگرش فرهنگ و تکنیک آنها آشنا می شویم و این کمک می کند همیشه به روز باشیم. احساس نکنیم که از سطح دنیا عقب مانده ایم. بلکه تئاتر ما همپای آنها

در حال حرکت است. آنها امکانات بیشتر دارند بیشتر هزینه می کنند و معلوم است که باید جلوتر باشند. اما متأسفانه در کشور ما اهمیت کافی به مسائل فرهنگی داده نمی شود و از کارهای فرهنگی و توقع بیشتری نمی توان داشت. به اعتقاد من تلاش هنرمندان تئاتر خیلی بالاتر از امکاناتی است که در اختیار دارند و بسیار مثبت است.

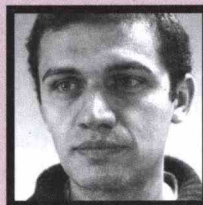
همه تئاتر امکانات نیست

بهرام ابراهیمی: همه تئاتر امکانات نیست. نمی گویم تئاتر بدون امکانات شکل می گیرد اما امکانات همه چیز



تئاتر نیست. فردوسی برای جاودانه شدن به امکانات نیاز نداشت نمی گویم ما سعدی، حافظ و مولوی هستیم اما ما در جایگاه خود هنرمند تئاتر ایران هستیم بنابراین یا نباید در بخش مسابقه شرکت می کردیم یا حالا که شرکت کرده ایم لیاقت آن را داریم که با نمایش های خارجی در یک مورد قضاوت قرار بگیریم. به لحاظ هنری از آنها چیزی کم نداریم. هرچند تئاتر مال آنهاست اما توجه کنید فلسفه از یونان شکل گرفته اما در ۳ قرن اخیر حتی یک فیلسوف متوسط یونانی وجود نداشته و تمام فلاسفه معروف از انگلستان و آلمان و فرانسه بوده اند که در زمان اقتدار یونانی ها تمدن نیم بربر داشته اند.

تئاتر هنری است متعالی و به همه اساتید و هنرمندان قبل از این، به تجربه ثابت شده است. گرچه امکانات خیلی موثر و کمک کننده است اما همه چیز نیست. هرچند امیدوارم مسوولان به این مسئله استناد نکرده و همین امکانات محدود را از ما دریغ نکنند. به اعتقاد من امکانات تئاتر ما خیلی خیلی کم است اما این امر که اعتقاد دارم می توانیم در مسابقه تئاتر شرکت کنیم به این سبب است که جشنواره مال ماست. مال کشوری به نام جمهوری اسلامی ایران و این خنده دار نیست که در بخش مسابقه بین الملل، گروه های ایرانی شرکت نکرده باشند. اگر در این جشنواره ثابت شود آنها بهتر از ما هستند نتیجه اش این است که همه جوایز به آنها داده شود. چرا که آنها آمده بودند برای بردن مسابقه ای که در آن برنده شوند. به اعتقاد من



جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر مثل جام جهانی فوتبال است که برزیل، آرژانتین، کامرون و... حضور دارند و ناگهان کامرون، آرژانتین را با مارادونا شکست می‌دهد. چون بهتر بازی کرده است. در زمینه تئاتر که خلاقیت فردی و گروهی تعیین‌کننده‌تر از فوتبال است، مسلماً ما نتیجه بهتری می‌گیریم.

به هرحال باید از گروه‌های خارجی ممنون باشیم و افتخار کنیم که مهمان ما بوده‌اند و به نظر خود، بهترین کارهایشان را برای ما آورده‌اند.

شرایط یکسان نبوده

امیر دژاکام: بخش مسابقه بین‌الملل در بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اتفاق بسیار خوبی است که افتاده است.

اما شرایط برای کارگردانان ایرانی به هیچ عنوان در مقایسه با همکاران عزیز بین‌المللی و خارجی آنها قابل مقایسه نیست.



گروه‌های ایرانی با کاری فشرده به فجر رسیده‌اند

علیرضا محمدی: نفس عمل (حضور گروه‌های خارجی و ایرانی در کنار هم) برای

مسابقه بین‌الملل بسیار خوب است اما این اتفاق نیاز به یکسری شرایط دارد که تصور می‌کنم هنوز به وجود نیامده است. باید در نظر بگیریم که گروه‌های ایرانی که در این بخش شرکت می‌کنند مسلماً امکانات و شرایط برابری برای رقابت با گروه‌های خارجی (آن طور که باید و شاید) ندارند. طبق معمول گروه‌های داخلی با شرایط بسیار سخت و کار فشرده خود را آماده فجر کرده‌اند این شرایط شامل امکانات سالن، تمرین، مخارج و زمان است که معمولاً در زمان مقتضی فراهم نشده است. برخلاف ما گروه‌های خارجی معمولاً در بهترین شرایط آماده می‌شوند.

از سویی دیگر گروه‌های خارجی که برای این بخش می‌آیند، مخصوصاً در سال‌های اخیر، کیفیت موردنظر

را ندارند. به عنوان مثال در جشنواره امسال کارهای اکثر گروه‌ها سطح چندان بالایی ندارد و بیشتر هزینه برای گروه‌های خارجی، صرف یک گروه خاص (که در سال‌های گذشته نمایش فوق‌العاده‌ای را به جشنواره فجر آورده) شده است و تنها کار مطرح این بخش نمایش «کلاوس پیمن» است.

برای همین است که به نظر می‌رسد رقابت بین کارهای داخلی و خارجی چندان جدی به نظر نرسد.

جدالی نابرابر

اشکان صادقی: اینکه

مسابقه نمایش‌های ایرانی با نمایش‌های خارجی جدالی نابرابر است، شکی نیست، آنها با چند میلیون یورو طراحی صحنه می‌کنند. اما ما مجبوریم عدول کنیم اما گاهی این عدول به نفع ما تمام می‌شود. چرا که به سمت سادگی می‌رویم و این کار سبب می‌شود در عمق نمایش غنی‌تر و پردازش شود.

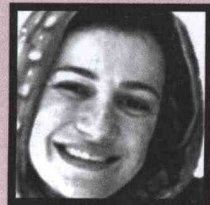
اتفاقاً این رویکرد به عمق، مثلاً طراحی صحنه ساده، کارهای ایرانی را به سمت بازیگر محوری می‌برد و این خود یک نگاه به انسان تنها و معاصر امروز است. برای همین در قیاس هنری همان اتفاق که برای فیلم‌های کیارستمی و مجیدی در جهان می‌افتد برای تئاتر ما می‌افتد و همه خواهان نمایش‌های ایرانی در جهان می‌شوند.



مهم دیدن نمایش‌های خارجی است

لیلی رشیدی: به اعتقاد من هیچ ایرادی ندارد که کارهایی خارجی و ایرانی با هم مسابقه بدهند، بستگی به

این دارد که کارهایی خارجی چه کارهایی هستند و چگونه نمایش‌هایی قرار است با ما رقابت کنند. نکته مهم‌تر از مسابقه آن است که کارهای خارجی در جشنواره فجر دیده شوند. چرا که بسیاری از هنرمندان و دوستداران تئاتر امکان سفر به خارج از کشور را ندارند و جشنواره فجر بهترین فرصت برای دیدن



نمایش‌های خارجی و یاد گرفتن از آنهاست. اما به هرحال در یک ظرف قرار دادن نمایش‌های ایرانی و خارجی و مقایسه آنها با هم هیچ ایرادی ندارد چرا که نمایش‌های ایرانی در سطح نمایش‌های خارجی است.

بچه‌های ایرانی عاشق ترند

شبنم مقدمی: به هرحال با نگاهی ساده و اجمالی به آنچه آنها دارند و ما نداریم چه از لحاظ امکانات، چه

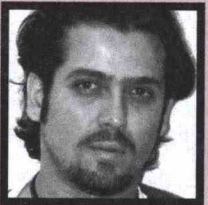


از لحاظ مالی می‌توان گفت این مقایسه چندان درست نیست و زمانی که شرایط ما و آنها یکی باشد می‌توانیم قیاسی درست داشته باشیم.

اما متأسفانه در بخش بین‌الملل بسیاری از نمایش‌هایی که به جشنواره فجر می‌آیند با وجود وضعیت و امکاناتی که دارند گروه‌هایی عجیب و غریب ندارند. از این رو فکر می‌کنم هم‌اکنون شرایط مساوی است و کیفیت آثار و نمایش‌های ما از نمایش‌های خارجی چیزی کم ندارد شاید بهتر است بگویم با وجود امکانات فراوانی که آنها در قیاس با ما دارند به نظر می‌رسد هنرمندان تئاتر ایران به حرفه خودشان بیشتر عشق می‌ورزند.

مهم، ارتباطی است که برقرار می‌شود

امیررضا دلاوری: نمی‌توان گفت که مقایسه نمایش‌های ایرانی و خارجی قیاسی درست است امکاناتی که تئاتر آنها دارد مسلماً بسیار فراتر از امکانات ماست اما گذشته از بحث امکانات ما در همه زمینه‌های بازیگری، کارگردانی، نویسندگی و... هنرمندان بسیار خوبی داریم.



مسابقه بین‌الملل از این جهت قابل بررسی است. ارتباطی که با هنرمندان خارجی پیدا می‌کنیم و نمایش‌هایی می‌بینیم با تکنیک‌های متفاوت و گاهی نمایش‌های فوق‌العاده می‌بینیم. از سوی دیگر سعی می‌کنیم نسبت به آن کارها تربیت شویم و از تکنیک روز دنیا عقب نمانیم.

مهم اتفاقی است که می افتد

پایته آ پناهی ها: در کل دآوری به نحوی سلیقه ای است. در واقع انتخاب سلیقه ای است. باید دید

چه نمایش هایی از داخل کشور برای حضور در بخش مسابقه انتخاب شده اند و چه نمایش هایی از خارج از کشور به جشنواره دعوت شده اند و سطح کلی این نمایش ها چگونه است، مهم اتفاقی است که می افتد و نمایش های ایرانی و خارجی برای هم به نمایش گذاشته می شوند و در کنار هم قرار می گیرند و نتیجه ای که از تبادل تجربیات حاصل می شود مهم است.



دآوری ها باید منصفانه باشد

سینا رازانی: اگر بخش مسابقه بین الملل منصفانه قضاوت شود بسیار خوب خواهد بود. گروه آلمانی که

امسال در جشنواره ننه دلاور را بر روی صحنه برد چند سال پیش نمایشی به جشنواره آورد که به اعتقاد من قابل مقایسه با هیچ تئاتری نبود، اگر قرار باشد همه کارهایی خارجی در همین حد باشد آنها می آیند و همه جایزه ها را در همه رشته ها می برند و مسابقه بی معنی می شوند. اگر امکاناتی که آنها دارند با امکانات ما برابر بود این قیاس، منصفانه بود. اما به اعتقاد من بهتر است هر گروهی با شرایط خاص خودش مقایسه شود.



فجر یک فستیوال است که رقابت در درجه اول اهمیت آن نیست

رضا گوران: اگر از نظر امکانات سخت افزاری، برنامه ریزی برای اجرا، امکان سالن و مکان تمرین در یک سطح با گروه های خارجی باشیم مسلماً بهتر از گروه هایی خارجی عمل خواهیم کرد. چنانچه با وجود

آنکه این اتفاق نیفتاده باز هم چیزی از آن کم نداریم و از نظر انرژی، توان و خلاقیت کمبودی نداریم. کما اینکه نمایش های خارجی را می بینیم و سطح خودمان را متوجه می شویم. اما باید در درجه اول توجه کرد که این یک فستیوال است که بحث رقابت چندان در آن مهم نیست و مهم کار دیدن و یاد گرفتن است و نباید فراموش کرد جدا کردن کارگردانان ایرانی و خارجی دست کم گرفتن کارگردانان ایرانی است.



در کار تئاتر خیلی جلوتر هستیم

فرزین صابونی: در ساختار جشنواره فجر تغییرات بسیاری صورت گرفته است. این تغییرات که ستاد

برگزاری جشنواره و دبیر محترم آن با برنامه ریزی های از پیش تعیین شده انجام داده اند نمی تواند اثرات خود را هم اکنون نشان دهد.

جشنواره همواره نقصان داشته است مهم ترین این کمبودها دکور، سالن تمرین و... بوده است کار دقیقه نود می رسد و سبب می شود اجرا ضعیف باشد و یک کار چنان بر روی صحنه برود که خیلی ها با آن ارتباط برقرار نکنند. تلاش هیچ مسوولی هم در این زمینه تغییر چندان در اوضاع ایجاد نمی کند. چرا که این جزء لاینفک تئاتر ایران است و شاید این مشکلی باشد که نمایش های ایرانی را در رقابت با رقیبان خارجی ضربه پذیر می کند. اما نباید فراموش کرد که مادر کار تئاتر خیلی تواناتر از آنها هستیم. این ادعا را بدون سند عنوان نمی کنم، نمایش های خارجی را در جشنواره دیده ام که در قیاس با کارهای ایرانی، نمایش های ساده و معمولی است اما نباید فراموش کرد که آنها تامین مالی هستند و همگی در هر رشته ای از تئاتر کم کار می کنند و متخصص هستند. اما در کل بد نیست که در این رقابت قرار بگیریم تا احساس نکنیم از آنها چیزی



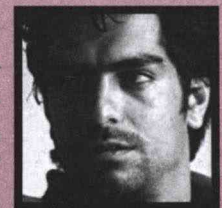
کم داریم چرا که بارها کارهایی خارجی دیده‌ایم که از نمایش‌های ایرانی کپی کرده‌اند.



نمایش، نمایش، نمایش است

فاطمه معتمدآریا: به اعتقاد من اینکه آیا نمایش‌های ایرانی و خارجی می‌توانند با هم مسابقه دهند یا نه، برخورد درستی با تئاتر نیست. نمایش، نمایش است. خیلی از گروه‌های قدرتمند و گردن‌کلفت دنیا نه دکور نه لباس نه موقعیت آنچنانی ندارند اما کارشان عالی است. به اعتقاد من بحث بیشتر بر این محور است که تئاتر ایران خوب است یا نه، در واقع تئاتر ایران از لحاظ کمبود امکانات در وضعیتی است که قابل بحث است. از سویی دیگر نباید فراموش کرد که تئاتر کمی سلیقه‌ای است و امکان دارد از دید برخی نمایش عالی و از دید برخی دیگر چندان خوب نباشد.

به هر حال کارگردانان جوان ایرانی در این جشنواره نمایش‌هایی بر روی صحنه برده‌اند که به اعتقاد من بسیار بهتر از خیلی نمایش‌های خارجی و در سطح اول دنیا بوده است.



مهم‌تر از مسابقه، حضور گروه‌هایی خوب خارجی است

مهدی پاکدل: این اتفاق که گروه‌های خارجی و ایرانی در بخش بین‌الملل جشنواره تئاتر فجر کنار هم قرار بگیرند اتفاق خوبی بوده است. مهم‌تر از این، حضور گروه‌های خارجی در جشنواره فجر است به اعتقاد من نمایش‌های ایرانی چیزی از نمایش‌های خارجی کم ندارند و از لحاظ ذات هنری برابر آثار خارجی یا حتی خیلی جلوتر از آنها حرکت می‌کنند. اما متأسفانه امکانات تکنیکی ما خیلی کمتر از امکانات آنان است. اگر حمایت بیشتری از نمایش‌های ایرانی در زمینه امکانات شود این رقابت به شکل بهتری می‌تواند انجام شود.

امکانات تئاتر ما در قیاس با تئاتر اروپا قابل قیاس نیست

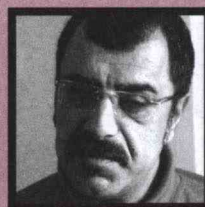
ولی از لحاظ دانش هنری و ذات تئاتری حس می‌کنم ما حتی جلوتر از آنها می‌توانیم گام برداریم.



این مسابقه مانع دارد

علی سرابی: در بسیاری از جشنواره‌ها این اتفاق می‌افتد که نمایش‌های ایرانی و خارجی در کنار هم قرار می‌گیرند و به رقابت با یکدیگر می‌پردازند و کسانی که کمی استعداد داشته باشند در این جشنواره‌ها مطرح می‌شوند اما در تئاتر هرچند این رقابت بسیار خوب است اما نباید فراموش کرد که محدودیت تئاتر نسبت به هنرهای دیگر مثل سینما بسیار زیاد است. در سینما که صنعت محسوب می‌شود از هزاران تکنیک می‌توان استفاده کرد اما در تئاتر تنها خلاقیت است که راهگشا است و با توجه به ضوابط، هر حرکت و ایده‌ای هم نمی‌تواند به صحنه بیاید.

اما مانع بعدی بر سر راه این رقابت امکانات است. اگر من هم مثل یک بازیگر اروپایی ۸ ماه تمرین می‌کردم تا نقش را درآورم می‌توانستم خلاقیت بیشتری بر روی نقشم نشان دهم. از سویی دیگر آنها نگران دستمزد و هزینه‌های خود نیستند به همین سبب با خیالی آسوده به کار خود می‌پردازند.



در هر رشته بیش از یک برگزیده انتخاب شود

سیامک احصایی: با توجه به حجم جشنواره تئاتر فجر بهتر بود در هر رشته تنها یک برگزیده معرفی نمی‌شد. نمی‌توانم در خصوص مفید بودن مسابقه بین‌الملل جشنواره تئاتر فجر یا رقابت نمایش‌های ایرانی و خارجی به طور قطع صحبت کنم ولی اینکه بچه‌های تئاتر ایران در کنار برخی کارهای خارجی که به نظر می‌رسد خوب است قرار می‌گیرند برای تئاتر ایران مفید است از لحاظ دیگر این بخش را می‌توان مورد توجه قرار داد و آن، این مطلب است که در هر رشته تنها یک برگزیده انتخاب نشود. این انتخاب

بسیار سخت است، چرا که از لحاظ تکنیکی چنانچه نمایش‌های خارجی سابقه بیشتری داشته باشند کمی کار برای کارهای ایرانی مشکل می‌شود. هرچند سلیقه هم تأثیرگذار است.

به اعتقاد من جا داشت به جای یک برگزیده در هر رشته نفرات اول تا سوم را معرفی می‌کردند.



مسابقه، مناسب تئاتر نیست

هدایت هاشمی: آن طور که در سیستم تئاتر دنیا معمول است تنها جشنواره‌های درجه ۲ در جهان به شکل رقابتی برگزار می‌شوند. چرا که قضاوت کردن در مورد تئاتر بسیار مشکل است چرا که همچون سینما طبقه‌بندی ژانرها و تکنیک‌های مختلف وجود ندارد. تئاتر به عنوان یک هنر زنده و انسانی آنقدر حیاتش زنده است که در لحظه اتفاق می‌افتد از این رو قابل ارزیابی مطلق نیست چرا که در یک اجرا ممکن است بازیگری عالی کار کند و در اجرای دیگر به سبب مسائل عدیده‌ای چندان خوب بر روی صحنه نرود. رقابت در تئاتر تنها می‌تواند در بخش خاص مثلاً کمیدی دلارته بین نمایش‌های مختلف کمیدی رخ دهد. البته در این مورد باز هم نمی‌توان در خصوص بخش زنده کار یعنی بازیگری نظری قطعی داد.

سطح کارها یکسان نیست

علی اصغر دشتی: به طور کلی نمی‌توان عنوان کرد که کارهای ایرانی یا خارجی امکان مسابقه یا رقابت با هم را دارند یا نه، اساساً کارهای مختلفی که در بخش مسابقه دیدم در سطح یکسانی نبودند و برخی پایین‌تر و برخی دیگر بالاتر بودند. چنانچه می‌توانیم نمایش‌هایی که از نظر سطح کیفی متعادل هستند را در بخش مسابقه به اجرا بگذاریم مسلماً این رقابت یکدست‌تر برگزار می‌شود.

این اولین تجربه مسابقه بین‌الملل تئاتر ایران است و باید دید چه تأثیری بر جشنواره فجر دارد. آنچه مهم است این است که سطح بین‌المللی جشنواره را باید به استانداردهای بین‌المللی نزدیک کنیم.



بیانیه هیات داوران بنیاد شهید و امور ایثارگران

دین و آیین و فرهنگ اسلامی - ایرانی ما سرشار از فضائل معنوی است. آنچه به زندگی و آدمی ارزش می‌بخشد نه لزاید مادی بلکه خصائل معنوی و مواهب الهی است که در قالب آموزه‌های دینی و الهی، طی ابلاغ و رسالت انبیاء و اولیا به ما رسیده است.

دنیای امروز و تفکرات مادی زمزمه زدودن دین و معنویت را با هدف گمراهی انسان‌ها و تثبیت جایگاه خویش تحت لوای ناجیان بشریت معاصر از طریق رسانه‌های خود تبلیغ و ترویج می‌کنند اما بازگشت انسان به اصل و هویت و دین‌مداری، فضائل حیات بخشی را به او نوید می‌دهد. هم‌اکنون صحنه فرهنگ و هنر جهان عرصه این تهاجمات عدیده و رنگارنگ است و تنها راه مقابله و رویارویی با این تبلیغات ارانه و خلق آثار اصیل و مبتنی بر ارزش‌های متعالی و کمال‌جویانه است.

«ایثار» و «شهادت» به عنوان دو گوهر تابناک حیات، رمز مانائی و جاودانگی ایرانیان در این کره خاکی است و همواره مظهر جوشش‌ها و خلاقیت‌های هنری به زبان عمیق حکمت‌ها و معرفت‌ها بوده و فرهنگ ما همواره برخوردار از این جلوه‌ها و مظاهر ذوقی و ایمانی بوده است.

هنرمندان مسلمان تحت لوای این آموزه‌های دینی و در پرتو انوار قدسی و چراغ معرفت و عشق، دل‌های خود را منور ساخته و توانسته‌اند بسیاری از این مولفه‌ها را در قالب‌های زیباشناختی ماندگاری بخشند.

هنر تئاتر با بهره‌مندی از این دو گوهر درخشان، معاریف این فضائل را در زندگی ما نهادینه خواهد کرد و به دنیای بی‌رنگ ما روح و رنگ تازه‌ای خواهد بخشید و در این صورت است که انسان خاکی مرتبتی افلاکی را چنان که شایسته مقام و منزلت اوست باز خواهد یافت.

تئاتر در ذات و ماهیت خود برخاسته از آیین‌ها و مناسک و فضائل معنوی است و چه زیباست که این آیین به تمام قد و این جام جهان بین گویای این مفاهیم و ارزش‌های مانای بشری باشد.

سید وحید میرمبینی
اردشیر صالح‌پور
رحمت امینی

تئاتر است. اگرچه تردیدی نیست که بسیاری از این متون حاوی درس‌ها و راهبردهای کارساز برای دست‌اندرکاران نمایش و به ویژه نمایشنامه‌نویسان ما هستند لکن نمی‌توان افتادن در ورطه تکرار را نادیده گرفت.

جسارت در استفاده از فضاها و قابلیت‌های نمایشی در آفرینش فرم‌ها و محتواهای بدیع و خلاقانه جز در یک مورد در پرداخت هیچ یک از آثار ارائه شده مشاهده نمی‌شد حال آنکه نیاز تئاتر تلویزیونی به جذابیت‌های بصری را چگونه می‌توان منکر شد.

در عرصه نمایش‌های تلویزیونی نیز علی‌رغم انتظار عام که ظرفیت‌های فرهنگی پایتخت را عاملی تعیین‌کننده می‌داند آثار ارائه شده شهرستان‌ها از تازگی، طراوت و خلاقیت چشمگیری برخوردار بوده‌اند که به راستی نمی‌دانیم می‌توان آن را نشانه چه مفاهیم و اتفاقاتی دانست.

جهان‌شاه آل محمود
شمسی فضل‌اللهی
مهتاج نجومی

بیانیه هیات داوران بخش تجربه‌های دانشجویی

هیات داوران بخش تجربه‌های دانشجویی بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، اعتقاد دارد که تلاش‌های تئاتر دانشگاهی ایران، در مسیر کسب موفقیت و اعتلای تئاتر کشور مشهود است و چنانچه این تلاش‌ها با مطالعه و پژوهش و ممارست بیشتر در زمینه‌های گوناگون به ویژه نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی استمرار یابد، تئاتر دانشگاهی پیشرو و سازنده تئاتر کشورمان است و قابلیت آن را دارد که در عرصه‌های بین‌المللی نیز بدرخشد.

هیات داوران بخش تجربه‌های دانشجویی قدردان کوشش‌ها و زحمات استادان دانشجویانی است که برای حضور در این بخش تلاش کردند و امیدوار است که در سال‌های آینده نیز تجربه‌های دانشجویی به عنوان یکی از بخش‌های با اهمیت جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، نماینده توانمندی‌های تئاتر دانشگاهی ایران باشد.

دکتر محمدرضا خاکی
دکتر محمدباقر قهرمانی
رحمت امینی

بیانیه هیات داوران بخش تولیدات رادیویی و تلویزیونی

گشودن دریچه‌ای رویه نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی در بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اتفاقی ارزشمند است و برای ما اهالی دنیای نمایش رادیو و تلویزیون تکان دهنده چرا که اگرچه نمایشگران رادیو و تلویزیون همخانه‌های هم‌ریشه و همخون تئاتری‌های ما هستند و نیز با آنکه بی‌تردید هرگز این دو برای چشم و گوش مخاطبان بیگانه و ناشناخته نبوده‌اند اما تقدیری که نمی‌دانیم چرا و چگونه رقم خورده بود تا امروز و امسال در خانه موروثی‌شان جشنواره‌های تئاتر به چشم آشنا دیده نشدند چه رسد به همراه و همخانه...

همت بزرگوارانی که این گردآمدن خانوادگی را سبب شده‌اند، ستودنی است. نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی شرکت‌کننده در بیست و ششمین جشنواره تئاتر فجر، بی‌شک آیین تمام نمای کوشش‌های هنرمندان گرانقدر این عرصه‌ها نبوده است اما همین مشت به نمونه خروار بسیاری از توانایی‌ها و کاستی‌های این عرصه‌ها را آشکار ساخته که در این فرصت غنیمت هم‌نواپی، رخصت باز گفتنشان را خواستاریم.

وفور ایده‌های درخشان به ویژه در نمایشنامه‌های رادیویی دیگراره این نکته شاید مکرر گفته شده را به یادمان آورده است که تا چه اندازه نیاز به پرداخت‌های نمایشی و حفظ جذابیت سوژه در مرحله ساختار بخشیدن به نمایش ما حیاتی و حساس است.

ایده‌های جذاب نمایش‌های رادیویی دفترنامه اسمال‌هالو در عجب‌آباد، پس از آن همه سال ببرد و ننه زیرون می‌توانستند به نمایشنامه‌های رادیویی ارزنده‌ای منتهی شوند که دورماندنشان از جسارت نوآوری و ارائه ظرفیت‌های هنری و نمایشی جز دریغی به جای نگذاشته است.

و کاش در نمایش‌های رادیویی شهرستان‌ها نیز بایی برای یکی از ارکان نمایش رادیویی ساندافکت و نقش افکتور گشوده می‌شد که نمی‌دانیم چه کسی می‌تواند متولی انجام این امر مهم باشد در نمایش‌های تلویزیونی آنچه بیش از هرچیز خود را آشکار می‌سازد، اتکای تهیه‌کنندگان به استفاده از متون دراماتیک شناخته شد. از بزرگان و نام‌آوران



بیانیه دفتر آموزش و فرهنگ پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

دفتر آموزش و فرهنگ پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همسو با اهداف و سیاست‌های کلان دولت جمهوری اسلامی ایران در جهت آگاه‌سازی آحاد جامعه به خصوص نسل جوان از آسیب‌های اجتماعی ناشی از اعتیاد، با تدوین و به اجرا گذاشتن مجموعه برنامه‌های فرهنگی و هنری سعی بر آن داشته است تا زمینه ساز کاهش آثار زیانبار این پدیده شوم شود. به منظور تحقق این اهداف و سیاست‌ها، تشویق و حمایت از اهل قلم، سینماگران و هنرمندان عرصه‌های مختلف فرهنگی و هنری را در دستور کار خود قرار داده است.

این دفتر در سومین سال حضور خود در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به تولیدکنندگان برگزیده‌ای که آثار برتری در این عرصه آفریده‌اند، لوح تقدیر و جوایزی اهدا می‌نماید و امید آن دارد که در سال‌های آینده آفرینشگران فرهنگی و هنری کشورمان با گام‌هایی استوارتر در این عرصه قدم گذارند. امسال نیز در پیست ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر دفتر آموزش و فرهنگ پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر داشت از یک نمایش صحنه‌ای و یک نمایش خیابانی که به معضل اعتیاد پرداخته باشند تقدیر بعمل آورد متأسفانه از نمایش‌های صحنه‌ای هیچ نمایشی واجد این شرایط نبود و نمایش خیابانی آنفلوانزای انسانی به کارگردانی آقای پیمان مهری از سقز به دلیل مطرح نمودن مشکل اعتیاد و ارائه روش‌های برون رفت از این معضل شایسته تقدیر اعلام می‌گردد. امید آنکه در دوره‌های آتی از سوی هنرمندان عرصه نمایش کشورمان بیشتر شاهد پرداختن به این مسئله مهم اجتماعی باشیم.

نامزدهای بخش مسابقه بین‌الملل:

■ بهترین متن غیراقتباسی:

امپراطور و آنجلو - ایوب آقاخانی - ایران

ترمینال - سیامک احصایی - ایران

من آلیس نیستم اما اینجا همه چیز عجیب است -

علیرضا غفاری - ایران

■ بهترین کارگردانی:

یوسف رایخلگاوز - مربای روسی - روسیه

رضا گوران - یرما - ایران

پاول ژکوتاک - چه مرد ظالمی - لهستان

■ بهترین نمایش:

ننه دلاور - آلمان

چه مرد ظالمی - لهستان

یرما - ایران

■ بهترین موسیقی:

آنکیدو دارش - کشتی شیطان - ایران

وامه هایرپیتان - مسلح شدن - ارمنستان

مهدی فرج‌پور و شیما زارع‌فرد - سودالایادی - ایران

و هند

■ بهترین طراحی صحنه:

هدیه تهرانی - یرما - ایران

سیامک احصایی - ترمینال - ایران

یوری خاریکف - مربای روسی - روسیه

■ بازیگر زن:

فاطمه نقوی - کشتی شیطان - ایران

فاطمه معتمدآریا - ترمینال - ایران

دبرالامی - ماکاندو - فرانسه

افسانه ماهیان - من آلیس نیستم اما اینجا همه چیز

عجیبه - ایران

نسیم ادبی - من آلیس نیستم اما اینجا همه چیز عجیبه

- ایران

سهیلا گلستانی - یرما - ایران

■ بازیگر مرد:

علی سربابی - ماچیسمو - ایران

ساشا گرساک - راشومون - سوئیس

بهرام ابراهیمی - امپراطور و آنجلو - ایران

گریگور گداسرایان - مسلح شدن - ارمنستان

وو هابدانک - نوک زبان - سوئیس

ایوان مامونف - مربای روسی - روسیه

تجربه‌های دانشجویی

■ طراحی صحنه:

این ملک متروک است - رضا رزم - دانشگاه تربیت مدرس

تهران ۱۳۸۶ - احمد کچه‌چیان - هنر و معماری -

ری‌را - سجاد افشاریان - دانشگاه آزاد بوشهر

■ بازیگری زن:

رسا کجوری - آتسو معری - دانشگاه آزاد شیراز

انسبه علوی - ری‌را - دانشگاه آزاد بوشهر

تارا فاتحی - با سری آشفته... - پردیس هنرهای زیبا

■ بازیگری مرد:

محسن نوری، خاندان چن‌چی - پردیس هنرهای زیبا

اصغر پیران - ری‌را - دانشگاه آزاد بوشهر

امیر قنبری - با سری آشفته... - پردیس هنرهای زیبا

■ نمایشنامه‌نویسی:

مصطفی کوشکی - پاییز هزار و سیصد و... - هنر و

معماری

سجاد افشاریان - ری‌را - دانشگاه آزاد بوشهر

احسان فلاحت پیشه - با سری آشفته... - پردیس

هنرهای زیبا

■ کارگردانی:

عرفان ناظر - خاندان چن‌چی - پردیس هنرهای زیبا

سجاد افشاریان - ری‌را - دانشگاه آزاد بوشهر

محمدرضا پورمقدم - آتسو موری - دانشگاه آزاد

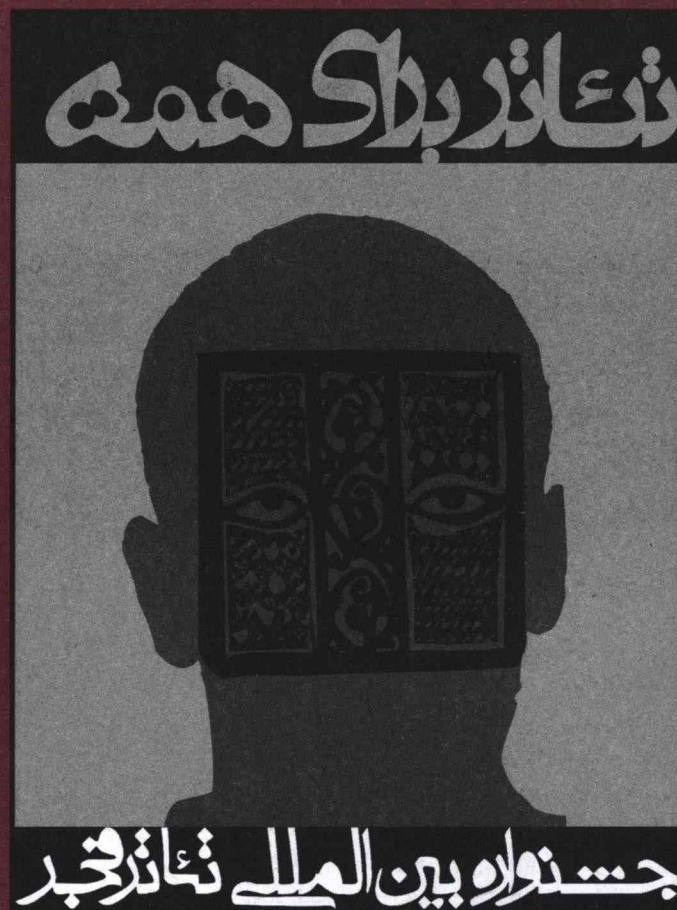
شیراز



Epilogue

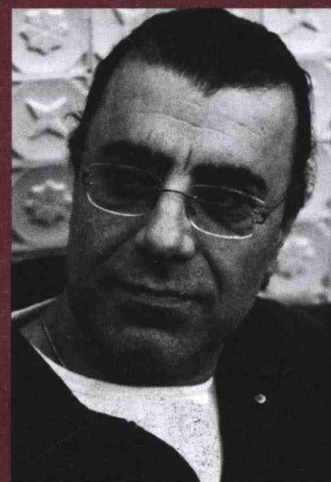
26th Fajr International Theater Festival reached the final days and ceased, or deceased very soon. Maybe it would be better to say the festival finished with all ups and downs and memories added to our scores of our honors. The judgment should be left for those coming generations and audience. But I am obliged to thank sincerely of the tireless enthusiasm of the theater and dramatic art lovers, from the early masters to the managers and reporters working meticulously hand in hands for a better conducting the festival to meet the ends. Many of participant worked unanimously and they do not want to show off. I am honestly sure that without those efforts there would be no festival at all. I avail myself of this opportunity to thank them by all means. It is an honor also to thank e all sponsoring bodies. Special thank to honorable Minister of culture and Islamic Guidance, honorable vice minister of art affairs of the ministry, the chief of dramatic arts center, secretariat staff members, the representatives and correspondents of mass media, I.R. of Iran Broadcasting crew, directors of culture house, Academy of art and directors of the performance halls, municipality of Tehran, the police and law enforcing bodies. They help us in a better way of . Thank to all . Cordially I hope a better future for Iranian theater. From now on we are looking for the 27th Fajr Festival by the gained experience here in the 26th festival with more experience.

All The best



This plays to be judged in International competition section

Terminal: Terminal is a play by Siamak Ehsayee the professional director and designer of our country. He staged his play by famous performers like Rima Raminfar, Panthea Bahram, Shabnam Moghadami. Ehsayee is a creative graphist and designer as well. He designs the stage lights and stage direction. Terminal is the story of three women with three professions. A cook, a day caring nurse and a moppper. They live are roommates in place like a toilet of a bus terminal, relating some slices of their life. They bear a part of a woman and they are on way to go an unknown destination but they are not able to leave the terminal.



26th Festival tends toward theater for all

An Exclusive Interview with H.E Minister of Culture and Islamic Guidance

His Excellency Mohammad Hussein Safar Harandi Minister of Culture and Islamic Guidance met with the provincial artists in the Teachers' Club said to our correspondence as his assessment of 26th Fajr International Theater Festival said, "The theme of Theater for All is a general motto of the all authorities of the dramatic arts in our country. But there is a long way to achieve this end. Indeed we are looking for a day that theater to be considered an art not only for the elites and intellectuals, although the intellectuals may have a true and outstanding role. The current festival enjoys the participation of a larger group and diversity of subjects and moves toward the meeting this end. This year we have allocated many halls for performances as a merit in comparison with the previous years. The foreign troupes are very qualified. The troupes are distributed through out the city. The occasion provides our artists with an opportunity for cultural exchanges with their counterparts. He added as an emphasis on provincial theatre promotion, "Emphasizing on theater of provinces help the promotion and publicizing the dramatic arts. I hope this will be an important step for a better understanding and conducting the theater festival."

His Excellency the minister replied to the question of our correspondent about the consistency of the policy, "The approach will be continuous for sure. We have examined the events in this festival and we will correct and compensate the deficiencies in the following years and strengthening the positive points."



This plays to be judged in International competition section

I am Not Alice: I am Not Alice, but here every thing is a wonder written by Alireza Ghaffari directed by Mohammad Hatami an experimental theater practitioner.e has some workshop theaters .The play relates the story of blasphemous land and villainous darkness. A man depicts the animal voices and their visible manifestation and is witness to wonders. Khosro Mahmoodi,Afsaneh Mahian and Nasim Adabi perform in I am Not Alice, but here every thing is a wonder.



نشریه روزانه بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
مدیرمسئول: دکتر مجید سرسنگی
سردبیر: مهدی توکلیان
معاون سردبیر: ایمان شمسایی
دبیر تحریریه: آزاده سهرابی
مدیر هنری: هومن خطیبی، حسین وحدانی
دبیر بخش عکس: بابک برزویه
ویراستار: یحیی گیلک
مدیر هماهنگی: جمال جعفری آثار

همکاران: سما بابایی، امیلی امرایی، ایمان مشعلچیان، پیروزه روحانیون
صفحه آرا: محسن روحانیون
تحریریه: ایرج زهری، جمال جعفری آثار، فروغ سجادی، مریم فشندی
الهام فراهانی، سپیده شمس، پیمان شیخی، آذر مهاجر، هادی جاودانی، ندا
فضللی، گلاویژ نادری و بهاره برهانی
همکاران ستاد خبری: سحر رضایی، زهره گلدار، جواد روشن، راحله فاضلی
مترجم: امیلی امرایی، آذین شریعتی
حروفچین: عباس میرزاجعفر و میترا تیموری
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: فرانگ آریا

Theatre for all

تئاتر برای همه

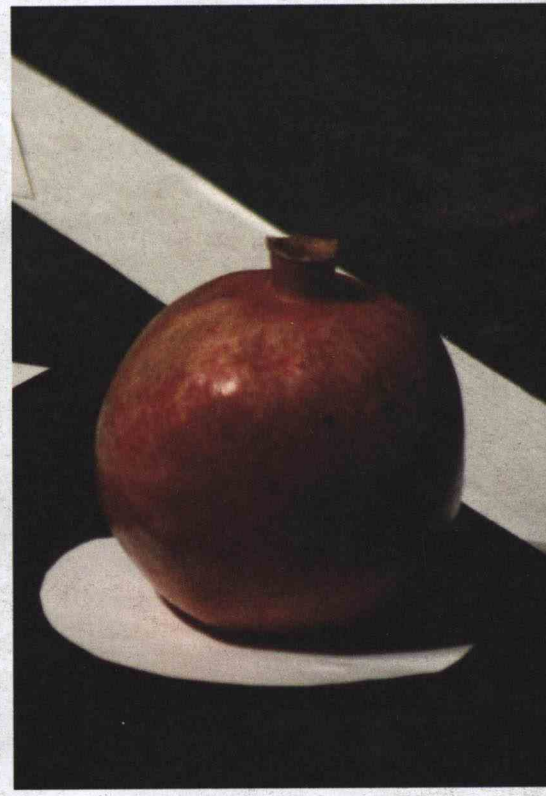


جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

Dramatic Arts Center
مرکز هنرهای نمایشی



موسسه هنرهای نمایشی



www.fajrtheater.akkasee.com

صحنه در تصویر

صحنه بزرگ بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی
تئاتر فجر را در دنیای مجازی نظاره گر باشید

سایت عکاسی جشنواره تئاتر فجر

و با سپاس از همکاری: آروز قاسمی، یلدامعیری، ریتا بر اهیمی، منصوره معتمدی، گلریز فرمانی، سارا ساسانی، آذین زنجانی، نیلوفر
سنندجی زاده، امیر درودیان، علی شایگان، مهدی زابلی، مرتضی اتابکی، حسن قائدی، حیدر رضایی، عباس جعفری، احسان
قدمی، محمدپور قمصر، سمانه غلام‌نژاد، خشایار حسامی، مانی لطفی زاده، رضا موسوی حسینی، محمد بابایی، آرش خاموشی، ریحانه
ترابی، احسان قدمی، فرشته بهرامی، حسین عبدی، بهرام تسلی زاده، سیروس تاجیک و حمید پارسا.